

فقدان فقیه جست و جو گر قلمرو اندیشه های سیاسی



۱۶ و ۷ و ۸ و ۷ و ۶ و ۵ طرح: هادی حدیدی

پیام های تسلیت
سید محمد خاتمی، سید مصطفی محقق داماد، مصطفی معین سید حسن خمینی، اسحاق جهانگیری الیاس حضرتی، محمد جواد ظریف محمدرضا عارف، محمد فاضلی ناصر مهدوی، هادی قایل محمد مجتهد شبستری شهیدخت مولودی، حزب اعتماد ملی احمد زیدآبادی، حکمت الله ملاحاحی و...

یادداشت ها و گفتارها درباره شخصیت استاد فیر حی جست و جو گر اندیشه های سیاسی کاظم موسوی بجنوردی
آرامش در تدریس و تحقیق
آیت الله سید حسین موسوی تبریزی
ماحصل پیوند حوزه و دانشگاه
احمد نقیب زاده
در اوج نیاز جامعه پر کشید
محمد علی ابطی
هنوز پیام مراندیده است
محمد جواد کاشی
یک معلم ساده باقی ماند
صادق زیباکلام
فقیهی جسور، عالمی متواضع
محمود صادقی
و اینک خسارتی جبران ناپذیر
الهه کولایی
یگانه بود و هیچ کم نداشت
هادی خانیکی
فیر حی و نقد درون ماندگار
مقصود فراستخواه
راهی که باید رفت
سمیه توحدیلو
فیر حی، استاد ایده های جدید
منصور براتی
اندیشمندی متین
نجفقلی حبیبی
به احترام داود فیر حی
رسول جعفریان

آنچه معلمان خوزستانی از روزهای کرونایی تعلیم و تربیت می گویند
بار نبود اینترنت
بر دوش معلمان

فوتبالی ها منتظر تایید اساسنامه جدید از سوی مجمع و مجلس هستند
پیش به سوی
دموکراسی در فوتبال



نسیم تحول قضایی

قاضی مقیسه و قاضی زرگر از «شعب خاص» جابه جا شدند

عمادالدین باقی: گامی مثبت است، نه به معنای پایان تمام مشکلات
به با امضای قاضی مقیسه و گاه از سوی قاضی صلواتی صادر می شد، حالا از این سمت کنار رفته و قرار است به عنوان رییس دادگاه انقلاب به کارش ادامه دهد. شنیده های «اعتقاد» البته حاکی از آن است که قاضی زرگر، موقتا تا زمان اعلام جانشین قاضی مقیسه، با حفظ سمت در شعبه ۲۸ به عنوان قاضی حضور خواهد داشت اما به محض معرفی قاضی جدید شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، او صرفا رییس دادگاه انقلاب خواهد بود؛ تغییری که محمود صادقی، نماینده پیشین مجلس، وکیل دادگستری و استاد دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، از آن با عنوان «شانه ای از تداوم مسیر اصلاحی در قوه قضاییه» یاد کرده است.

گفت و گو
گام هایی مثبت
واقعیت آن است خبری که منتشر شد، خبری خوشحال کننده بود؛ چراکه معضل بزرگی در قوه قضاییه وجود دارد که ما سال ها است با آن دست به گریبانیم و همیشه از استقلال قاضی و استقلال قوه قضاییه می گویم اما در عمل همواره دیده ایم که برخی شعب خاص در قوه قضاییه تعبیه شده اند که بیشتر متاثر از نظر ضابطین فعالیت می کنند.
ادامه در صفحه ۰۲

دیدگاه
از دادگاه انقلاب تا دیوان
طی روزهای اخیر، مراجع کنندگان به شعبه بیست و هشتم دادگاه انقلاب تهران، با خبری غیرمنتظره مواجه شدند؛ قاضی مقیسه رییس شعبه بیست و هشتم دادگاه انقلاب تهران، دیگر عهده دار ریاست این شعبه نخواهد بود؛ اما این به معنای بازنشستگی یا منفک شدن ایشان از سیستم قضایی نیست؛ بلکه پس از این، ایشان در بالاترین مرجع قضایی کشور حضور خواهند داشت.
ادامه در صفحه ۰۲

نگاه
خروج قاضی شعب خاص
انحصار رسیدگی به پرونده های سیاسی و امنیتی به چند شعبه خاص، هر چند در وهله نخست ممکن است رسیدگی تخصصی به پرونده ها را به ذهن متبادر سازد، اما در عمل چنانچه از افرادی که اصالتا یا به عنوان وکیل دادگستری در مقام دفاع در شعب مشخص حاضر بوده اند تحقیق شود، به عنوان نخستین دستاورد...

یاد
روشنفکری دینی و دکتر فیر حی
با خود فکر می کنم اگر پیامبر (ص) و علی (ع) عمرشان به دنیا نبود و در تاریخ جلو می آمدند حکامیت اسلام چه شکلی بود؟ علی (ع) همان زمان هزار سال جلوتر بود. اگر امکان دنیای آزاد را به او می دادند، اگر حیات فکری جامعه اش و تمدن بشر و امکانات دنیا با او بود چگونه تمدنی می ساخت. در گذشت دکتر داود فیر حی فرصت بازخوانی اندیشه او را یاد آور می شود. او با نقد روشنفکرانی چون دکتر سروش و مجتهد شبستری و مصطفی ملکیان که اخلاق را در برابر فقه قرار می دهند معتقد بود که فقه می تواند عرف را وارد اداره زندگی کند و بنیادی برای حقوق مدرن باشد. فقه توان نقد سنت و دفاع از تعدد را دارد. فقه تنها دانش عملی ماست که می تواند تکنیک های زندگی را با مستقیما تولید یعنی «قواعد مدنی» یا مقدماتش را فراهم کند یعنی پایه ای برای حقوق اساسی، مدنی و شهروندی باشد. او به تجربه تایید مشروطه، توسط فقها اشاره می کرد که توانستند به مشروطه، فقه می گشت. غربال گزاره های دینی کار بسیار مهمی می دانست که...

آموزش و پرورش
تناسب کتاب های درسی
برخی از تصاویر و متن های کتاب های درسی به ویژه کتاب هایی مانند فارسی برای سنین های گذشته اقتدر نوستالژیک است که با مراجعه به آنها حس خوشایندی پیدا می کنند و شور و شوق کودکی را می توان در چشمان آنها روشنی دید. این واقعیت حکایت از اهمیت نقش کتاب های درسی و تاثیر متن ها و تصاویر آن بر ذهن و روان دانش آموزان به ویژه دوره کودکی دارد و تردید نیست که کودکان و نوجوانان ارتباط عمیقی با کتاب های درسی خود برقرار می کنند هر چند در پایه های بالاتر این ارتباط و واکنش های منفی هم کشیده می شود که در دست کارهای دانش آموزان در متن به خصوص در تصاویر می شود مصداق آنها را مشاهده کرد. در نظام آموزشی ما که تنوع تالیف و وجود ندارد و تفاوت های فرهنگی در کشور وسیع مادی شده می شود یک نوع کتاب برای بیش از ۱۴ میلیون دانش آموز در بیش از یک صد هزار مدرسه ارسال می شود این پرشش جدی تر مطرح می شود که آیا این کتاب های درسی نیازها و روحیات و ویژگی های کودکان و نوجوانان تناسب دارد؟ بی تردید پاسخ به این پرسش نمی تواند مثبت باشد چرا که چگونه می توان ادعا کرد که یک کتاب هم برای کودک تهرانی و هم کودک سیستانی می تواند مناسب باشد یا اینکه کودک کرد، لر، ترک و شمالی و جنوبی نظرشان در مورد کتاب های درسی یکسان باشد. در حالی که تناسب کتاب برای کودکان و نوجوانان در نقاط مختلف کشور سخن به میان می آید و همگامی محتوای تعدادی از کتاب های دلیل سیاست ها و گرایش های نادرست در حوزه تالیف کتاب درسی برای بیشتر کودکان و نوجوانان جذابیت نداشته و برایشان مفید نیست. گویا مولفان کتاب های درسی فراموش کرده اند که برای کودک و نوجوان هزاره سوم و عصر رسانه و تکنولوژی دارند کتاب می نویسند و همچنان نگاه های کلیشه ای بسته و قدیمی بر حوزه تالیف کتاب درسی حاکم است. تاسف بار تر اینکه سیستمی برای باز خورد گیری وجود ندارد تا به متولیان تالیف کتاب های درسی و واکنش دانش آموزان را منعکس کند به همین دلیل و دلایل متعددی دیگر روز به روز و سال به سال شکاف دانش آموزان و کتاب های درسی بیشتر شده و می شود و دانش آموزان به ویژه در مقاطع بالاتر ارتباط چندانی با کتاب های درسی برقرار نمی کنند و اگر معلمی با اخلاقیت فراز از کتاب های درسی نرود...

اقتصاد
نجات غیر دستوری بورس
برخی افراد رخدادهای اخیر و تجمع سهامداران زبانه زده در بازار سرمایه را به تجربه ور شکستگی موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز نسبت می دهند. در اینجا لازم است توضیحاتی در خصوص اقدامی که برای جبران خسارت طلبکاران این موسسات انجام شده، داده شود. به طور کلی سقف جبران خسارتی که بانک مرکزی می تواند تعهد کند، حتی برای موسسات مالی و اعتباری مجاز نیز ۱۰۰ میلیون تومان است و فراتر از این نیز جز تعهدات برای سیستم بانکی نیست. هر چند این تجربه نشان داد که در کشور برخی امور ناشناخته است. افراد خیالی می کنند چون در سر در این موسسات خورده بود با مجوز از بانک مرکزی، باید تمام پولی که به صورت سپرده گذاشته بودند، برگردد. هر چند در اقدام دولت برای بازگردانی سپرده ها نیز اقداماتی وجود داشت، چرا که پس از آن سقف مشخص هر مبلغ دیگری باید سوخت می شد و جز تعهدات دولت یا بانک مرکزی برای بازگردانی به حساب نمی آمد، چرا که فردی که در نهادی که سود غیرمتعارف وعده داده، سرمایه گذاری می کند باید ریسک آن را بپذیرد. اما پول بازگردانده شده، هر چند این اقدام دولت برای بازگردانی سپرده ها حتی بیشتر از آن سفتی که عنوان شد، کار اشتباهی بود، چرا که سرمایه گذاران باید بپذیرند ندر سرمایه گذاری در هر بازاری که باشند، ریسک دارد. کارکرد بورس اوراق بهادار در هفته های اخیر و تجمع برخی برای جبران خسارت نیز شباهت هایی به تجربه موسسات مالی دارد. اساسا سرمایه گذاری با مفهوم ریسک همراه است. به صورت کلی ذات بازار سرمایه در هر جای دنیا یا نوسان همراه است. بنابراین شاید خیلی درست نباشد که برخی چه در ایران و چه در سایر کشورها به دنبال بازپس گیری پول های شان باشند و این موارد برای بازار سرمایه موضوعیت ندارد. اما بحث مهمی که باید در خصوص بازار سرمایه و وضعیت فعلی کشور به آن پرداخت و موضوع موردتأمل با بخشگان نیز بود؛ ترغیب و اصرار مدیران دولتی و مسوولان کشور برای سرمایه گذاری و حضور در بازار سرمایه است. این نوع بیانات فارغ از شریاطی که به مردم آموزش بازار سرمایه و فرهنگ سرمایه گذاری داده نشده و صرفا به دلیل صحبت های رییس جمهور افراد به سمت بازار سرمایه آمدند، مشکلاتی که الان شاهدش هستیم ایجاد می کند. اگر مردم خودشان به این نتیجه می رسیدند که در بورس سرمایه گذاری کنند...

دیپلماسی
منافع ملی از جح است
زنگها در ایالات متحده امریکا برای دونالد ترامپ، چهل و پنجمین رییس جمهور این کشور به صدا درآمده است. جو بایدن نامزد دموکرات ها در این رقابت نقش گیر با ۲۶ میلیون رای توانست دونالد ترامپ را به رییس جمهور یک دوره ای تبدیل کند و راه را از گشت دموکرات ها به کاخ سفید ۴ سال پس از ترک آن توسط باراک اوباما راهموار کند. انتخابات ۲۰۲۰ ایالات متحده در ایران به نسبت دوره های پیشین این رقابت ها با حساسیت بیشتری هم از سوی عامه مردم و هم دولت مردان دنبال شد. هر چند که در موضع گیری های رسمی هنوز و همچنان گفته می شود که برای جمهوری اسلامی ایران جو بایدن یا دونالد ترامپ فرقی ندارد درست مانند سال ۲۰۱۶ میلادی که گفته می شد تفاوتی میان هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ جمهوری خواه وجود ندارد، اما تجربه زمامداری ترامپ ۴ سال گذشته نه فقط به ایران بلکه به نزدیک ترین متحدان ایالات متحده در اروپا هم نشان داد که ویژگی های فردی و سابقه سیاسی رییس جمهور ایالات متحده می تواند جهان را دچار سردرگمی کرده و اختلافها را شکند و تر از پیش ساخته و چند جانبه گرایی را قربانی یک جانبه گرایی کند. تنها چند ساعت پس از اعلام برتری نهایی جو بایدن بر رقیب مستقر در کاخ سفید بود که هیران جهان از دوستان ایالات متحده در شرق تا متحدانش در اروپا پیام های تبریک خود را خطاب به جو بایدن نوشتند و از روزهای بهتر در روابط دو جانبه کینند. لذا انتظاری که در سندی از نتیجه انتخابات ایالات متحده پیش از آنکه از رضایت باز پیروزی جو بایدن باشد بیان رضامندی از پایان دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ است. درباره آنچه ترامپ بر سر رابطه همواره تیره و تار ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران آورد بسیار گفته و نوشته شده است؛ از خروج از توافق هسته ای تا بازگرداندن تحریم های هسته ای از تعریف سیاست فشار حداکثری تا ترو در سردار شهید قاسم سلیمانی، از ایجاد رعب و وحشت و از هر گونه کار با تهران تا توسعه روزانه لیست تحریم. در چنین شرایطی نه پیگیری انتخابات ایالات متحده از سوی ایرانیایی که هم هم تریم هدف تحریم دولت ترامپ بودند، عجیب و غریب است و نه بحث درباره تاثیر حضور فردی متفاوت از ترامپ در کاخ سفید بر رابطه تهران و واشنگتن، کراهت دارد. **ادامه در صفحه ۰۳**



خانم نادر هادی معلم پایه اول ابتدایی در منزل خود با کمک دخترش سانا، هر روز برای دانش آموزان به صورت مجازی تدریس می کند

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت و گوهای متفاوت
ETEMADONLINE.COM

کالای شمارا ما معرفی میکنیم
سازمان آگهی های روزنامه اعتماد
تلفن: ۶۶۱۲۴۰۲۵
۶۶۴۲۹۹۷۳

جناب آقای انوشیروان معراجی
ریاست محترم بانک ملت (شعبه چهارراه گلزار کرج)
بدینوسیله از حمایت بی دریغ جنابعالی و همکاری محترم تان در ارائه مطلوب خدمات به رباب رجوع کمال تشکر را دارم.
پییمان رسمی

مر کبی که خالی ماند و راهی که باید رفت



جایش بسیار خالی خواهد ماند، کمتر کسی را می توان یافت که بشناسدش یا از او خوانده باشد،او را شنیده باشد و چنین نبیندش. چون هر اندیشمند دیگری ممکن است موافقان و مخالفان خودش **سمیه توحیدلو** راداشته باشد که این اساس کار علمی است ونظر یا عملی کهنشودبا آن مخالف بوداز اسلس علم نیست.اماوقتی بانگه‌وروش علمی به‌قبضات‌بنشینتی خواهی دانست که دکنتر فیرحی بسیار زود رفت، در راه بود و انگار که داشت به جاهای خوب راه می‌رسید،انگار که بر مرکب تمام دانشی که اندوخته بود تاز سوار شده باشدو زمانه حرکت روان ترش فراز رسیده‌بود.کوشش‌هایش برای فهم بیشتر و آشتی دادن گستره تر فقه، حقوق و دولت مدرن هنوز بسیار جای کار داشت.

در زمانه‌ای که مساله تجددسوال روشنگرانه‌کنه‌سالیان این جامعه است،او چنان آستانه تجدد را دمشکافانه بررسی کرده بود، که بتواند نسبت سنت و نگاه‌شعبی را با مفاهیم جدید به خوبی تحلیل کند. جزو بهترین کسانی بود که آخوند خراسانی و محمد حسن نایینی را تشریح کرده بود. برای تبارشناسی مفاهیمی چون دولت،حقوق مشروعیّت، آزادی،عدالت و... در ایران باید به کتاب‌ها و آثارش سرر می‌زدی و از نگاه پژوهشگرانه و مطالعات ژرفش متعجب می‌شدی.از هیچ مدر کی و از هیچ گفتو گویی دوری نمی کردی بعداز سالیان سال کار بحدن در مورد مشروطه، وقتی تا تأملات پژوهشگرانه اندک خود برایش می گفتی به وسواس و دقت گوش می سپردی وقدر می توان حزین بود،از نبوهن چنین تکیه گاه‌هایی برای هر نوع اندیشه‌وروزی در این موضوعات.

در میان‌های که یکی از امتناع تفکر در آستانه خبری می ده‌دو دیگری فهم نامرست،از مفاهیم راساله مشروطه می داند یا در زمانه‌ای که برخی شرع و شیعه را اسبب از کار افتادن مشروطه بر می شمرند، منتفصانه به شرح و بسط تجدد، نقد سنت و نسبت‌های آن دو به هم می پردازد یا وسواس نظر می دهد و بی محابا و ذات گرایانه مدرنیته یا تشریح را با تیغ نم می زند و اینچنین است که امکان تحلیل و بسط حکومت دینی و دولت در جامعه معاصر را پیدا می کند، چرا که تبار بسیاری از مفاهیم رایج در قانون، حقوق و حتی فقه امروزین را بنده،برند بزرگوارنه، خاضعانه و با ماتمی مثال زنی از مسرور را از خلال تاریخ و فرهنگ پیشینیمان تحلیل می کرد.آشنایی عمیقش با تحولات روز و فهم گسترده‌اش از موضوعات و روشنگرانه امروزین و مساله روشنگری دینی گو‌اهی است بر جایگاه و رفیع او در نهاد علم.

وسواسش در دیدن آثار جدیدو ربط با فعالیت علمی اش سوندنی بود.در اندک زمانی که در سرانجام اسنادو کتابخانه ملی مشغول به کار شدم یکی از کنکاش کنندگان اسناد دیجیتال شده گذاختیم‌فلمی بودو سبب رفت داشت و دنبال می کردو هر جا که مشکلی جهت دسترسی‌های به منابع پیش می می آمد،پیگیر بود.در همین زمان یک دو‌مواچه کمتر استادی را با اسناد ملی چنین یافتم، مگر می شود چنین بدیع و هر بار از زوایه‌ای جدید موضوعات را دنبال کرد، جز به مدد همین خواندن‌ها و تأمل کردن‌های چندباره. جز با زبانی‌ها و گونر کردن‌ها از نظرات خویشتن برای رسیدن به حرف‌ها و نگاه‌های جدیدتر و به راستی فیرحی را در آثارش می توان این چنین یافت.

برای ما که اوج دوران دانشجویی را در اواخر دهه ۷۰ تجربه کرده بودیم، طبیعی بود که برای فهم بهتر آنچه به آن می‌اندیشیم با افتخار کتاب «دانش، قدرت و مشروطعیّت در اسلام» را به هم معرفی کنیم.این کتاب نماد فهم تاریخی مان بود در آن روزگار. کتابی که رساله دکترایش بود و آثار گزاهی که بدان‌ها نگاه می‌پوشد. و چقدر جذاب بود خواندن آن کتاب و جزوه‌های دستنویس دانش‌جویش بر ای ما که آن روزها در دانشکده فنی

نگاه‌مان به دانشکده همسایه بود، و چه حیف از پروژهای که ناتمام ماند. خوانش مجدد تنزیه بالا‌همه و رساله یک کلمه مستشرقالدوله از قرار‌هایی بود که در اندیشه‌گاه کتابخانه ملی با وی گذاشته شده بود که مصادف شد با بیماری و پایان حیات. در بیغ و صد افسوس از رفتنش و خوبی و بر سعادت کسانی که بتوانند سوار بر گرده ایشان و با فهم نظرات‌شان این مسیر هر چند سخت و در ادامه دشمن، مزیت استادی که خوب معلمی کرده باشد و شاگردان زیاد تربیت کرده باشد همین است که مسیرش و هر یکش بر زمین نمی‌ماند. هر چند ناباورانه، اما روحش شاد.

فراق یار

شیدم‌ما سخن خوش که پیر کنان گفت فراق یار نه آن می کند که بتوان گفت



گویا بازی فلک در سوزاندن دل ما همچنان ادامه دارد و قرار است که سهم ما از زندگی،

فقط تجربه‌ه آه و زاری آن هم از نوع تلخ‌ترین آن یعنی جدایی از عزیزترین و ناب‌ترین انسان ما باشد. هنوز باورم نمی‌شود که زمین بر جای خود ایستاده باشد و روی آن استاد و دانشمندی فرزان‌ه همچون دکتر داود مرگ آرام گرفته باشد. این زندگی اگر ارزشی برای زیستن دارد، به واسطه وجود انسان‌های شریفی است که به آن گرمی و معنای بخشندو اکنون گرمی بخش زندگی ما را م در کنار خدا خفتند.

بر مرد اندیشه‌دوست ایران تسلیت عرض می‌کنم؛ روحش جان‌مندان و شاد باد. یاد پاک آنکه با وقت سفر یاد نکرد به وداعی دل غم‌دیده ما شاد نکرد دل به امید صدايي که مگر در نورسد ناله‌ها کرد در آن کوه که هر فاد نکرد

اندیشه

برای «فیرحی» اندیشمندی متین



نجفقلی حبیبی

بسیار از زشمند دوره معاصر بودند که هم خوب درس خوانده بود و هم اخلاق مدار بود. هر کدام از این موارد در جای خود قابل تحسین است و دکتر فیرحی از هر دو آنها بهره‌مند بود و تعهد علمی‌اش را نیز حفظ کرده بود. آنچه از دکتر فیرحی در ذهن و یاد دانشجویان و دوستانش به جا خواهد ماند، تسلط ایشان بر مفاهیم و فراز و فرودهای رشته‌ای است که سال‌ها در آن تحصیل کرده و تعهدش به آنچه در سبش داده بود. علاوه بر این، دکتر فیرحی به رشته‌های فرعی مرتبط با تخصصش و مفاهیم موجود در آنها نیز تسلط داشت و همین مساله او را به چهره‌ای متمایز تبدیل کرده بود.

شاگردان و دوستان دکتر فیرحی هرگز تلاش او را برای تبیین آرمان‌های مساد و معنوی جمهوری اسلامی از یاد نخواهند برد. ایشان برای تبیین مفاهیمی چون «جمهوریت اسلام» و «دموکراسی» و زیرشاخه‌هایش چون «عدالت»، «آزادی» و «مشارکت مردم در حاکمیت»

تلاش‌های بسیاری را انجام داد و زحمت‌های بسیاری را متحمل شد. با همه اینها و در نظر گیری و ویژگی‌های دکتر فیرحی، باید گفت که بزرگ‌ترین خصوصه او، شخصیت محترم، فاضل، مودب و متینیی است که داشت. خصیصه‌هایی که کمتر اتفاق می افتد فردی همه آنها را باهم داشته باشد.

دکتر فیرحی شخصیتی دلسوز و متعهد بود. در تمام حدود ۲۰سال اخیر که بنده با ایشان آشنا بودم، خاطر نیست حتی لحظه‌ای تعهد اخلاقی و علمی‌اش را زیر پا بگذارد. او یا در باره مساله‌ای اظهار نظر نمی کرد یا اگر چنین می کرد، قطعه نهایت تلاش خود را به کار می بست تا او لا به موضوع مورد بحث و حواشایی احتمالی‌اش مسلط باشد و ثانیاً به هنگام طرح بحث، تمام جوانب موضوع را برای شنودگان، یا خوانندگان مطرح می کرد و اینطور نبود که بحثی نیمه‌کاره گاه کند.

خاطرم هست در دوران حیات آقای هاشمی رفسنجانی و ریاست ایشان بر مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه علمی در این نهاد زیر نظر دکتر فیرحی تشکیل شده بود که یکی دو مرت به هم از بنده برای حضور در این جمع دعوت به عمل آمده بود. برای من بسیار قابل توجه بود که در این جلسات در خلاف آنچه انتظارش را داشت، تمام مباحث بنیادین درباره موضوعاتی نظیر آزادی از دوران مشروطیت مطرح شده و مباحث به شکلی عمیق و کامل‌اعلامانه پیگیری می‌شد.

آنچه از این جلسات در خاطر می‌ماند، آن است که ایشان نه فقط به بهترین شکل ممکن و در عین متانت و ادب جلسات را اداره ای کرد بلکه تمام حضاران نیز با اشتیاق غیر قابل وصفی به موضوعات مطرح شده می پرداختند. یکی از کارهای آن روزهای ایشان کند و کاو در کتاب «تنبیه‌المله و تنزیه‌الامه» آیت‌الله نایینی بود که به قصد موشکافی در باب حکومت اسلامی مشروطه یا مشروطه‌ه در نهایت دستیابی به بهترین شیوه حکومت در اسلام با طرح مسائل مختلف حکومت که غالباً به موضوعات



حمیدملک‌زاده

بعضی از ما هستیم که به‌اعتبار رابطه‌ای که با محیط پیرامونی خودمان برقرار می‌کنیم،بخشی از آن ستون‌های نامری‌ای تبدیل می‌شویم که حیات مردمی که به آن تعلق داریم را به یک‌دیگر متصل کرده و رابطه میان گذشته، حال

و آینده این مردم را ممکن می‌سازیم. کمیت و کیفیت، ساخت‌مادر چ‌چ‌هان پیرامون ما، مارا به‌عضوی حیاتی از چیزی که همه‌ما در آن سهیم هستیم تبدیل کرده‌و مارا در وضعیتی قرار می‌دهد که فقدان ما، به‌شکل بنیادینی، سرنوشت «ما» را به‌مخاطره می‌اندازد. داود فیرحی، یکی از ما بود که کار مملووم فکری، تعهددانشگاهی واجتماعی عمیقی که در بند بندن‌جملاتی که او به‌جا مانده‌است و جایگاه‌ویژ‌اهی که مشارکت‌او در زندگی‌تأملی انسان ایرانی برایش فراهم آورده بود، او را از چنین حیثیتی بر خوردار می‌کرد. فقدان فیرحی صرفاً فقدان جسمانی یک نفر انسان‌بی‌وسه‌با انسان‌های دیگر می‌گواهرت، و بی‌مشتند نیست، بلکه فقدان وجوه پخته‌تر، دقیق‌تر، و عالمانه‌تری از روایتی است که او برای سال‌های بسیار زیادی در جریان کار فکری و دانشگاهی خود، درباره چیزی که «ما» در مقام یک‌مردم زیسته بودیم، فراهم آورده بود. از این جهت در بزرگداشت چنین‌انسانی کاری جز بر جسته ساختن بخشی از آن روایت بنیادینی که او انتظار داشت، ضمن‌ارایه کردنش، هر کدام، مایه‌تنهایی، و همه‌مایه‌مثابه یک‌مردم، درون آن خودمان فراهم کرده‌و مالکات تازه‌ای را برای عمل سیاسی، به‌دست بیایوریم، برمی‌آیند و ناقلمنظری که همه‌به‌طور عام‌اندیشه‌سیاسی‌مواجه‌می‌شویم، مبنای روایت‌فیرحی از سیاست دو پایه اساسی دارد. الف-سیاست دولت-پایه است؛ ب-انسان، از اهلیت تصمیم‌گیری درباره سیاست بر خوردار است. در نظام فکری فیرحی، اهلیت به شکل بنیادینی معنایی حقوقی دارد. روایت فیرحی از رساله

حاصل پیوند حوزه و دانشگاه

سخن گفتن در مورد دکتر داود فیرحی پس از درگذشت ایشان بسیار درنک است. ما ۲۵ سال دوست بودیم. فیرحی را از دوران دانشجویی‌اش می‌شناختم. از همان‌زمان بسیار از دیگران متمایز بود. از آن دوران رابطه دوستانه‌ای میان ما برقرار شد که تا به امروز ادامه یافت. ۱۵ سال در دانشگاه‌ها ا‌تاق بودیم. در این مدت ۲۵سال هرگز حرکتی نامعقول یا حرف‌وسخنی که باعث ناراحتی شود، از فیرحی ندیدم و هرگز حتی یک دقیقه در دوستی و رابطه ما خلل ایجادنشده. ایشان یک روحانی به تمام‌معنای‌بوده‌و آنچه به‌طور معمول از یک روحانی توقع می‌رود، در ایشان وجود داشت؛ مهربان و خوش‌قول بود و همه‌را به‌حضور می‌پذیرفت.

امسال خود را باز نشسته کردم و پس از آن بود که ایشان به مرز یادایان سخن می‌اقتم. مناتر می‌شود، چون به‌واقع در آن اتاق نمائند اما چه نمائند می...رفت و مارا آزاد کرد. در این مدت ایشان سنگ‌سور من بود. تمام درد دل‌ها و شگوه‌ها و شکایت‌ها از روزگار و زمانه را باهم در میان می‌گذاشتم. سفرهای بسیاری رفتیم، کنفرانس‌های زیادی باهم شرکت

کردیم و همه‌تعبعی می‌کردند که چطور یک‌ریش‌تراشیده لاییک با یک روحانی الفت دارد. واقعیت این است که من میان فیرحی و پدرم شباهت‌های بسیاری می‌دیدم. هر دو پررشان را در احساگی از دست داده‌بودند، هر دو خوش‌قول بودند و ما با مردم خوش‌برخود و هردو فکر عمیق و رحمانی نسبت به دین داشتند. علاوه‌بر این سنجایی اخلاقی، درامر تخصصی‌اش نیز متفاوت بود. تفسیرهایی از دین داشت که برعکس تفسیر داعشی و از قرآن، بسیاری را هگشت بسیار جالب و جذاب بود. فیرحی در علوم دینی و حوزوی و دانشگاهی بسیار خوب پیش‌رفته‌بود و

آنچه همواره به عنوان حاصل پیوند حوزه و دانشگاه از آن صحبت به میان می‌آید، در داود فیرحی منجلی بود. فیرحی به‌دلیل تحصیلات حوزوی و دانشگاهی از متدولوژی هر دو برای فعالیت‌های پژوهشی که انجام می‌داد، استفاده می‌کرد. دغدغه‌اشان این بود که اسلام‌را با مفاهیم عمیق و دقیق پیوند بزنند و دل آن‌گفتمانی به وجود بیاورد که در امروز جامعه بخرد. از اینکده دین در حال اقول باشد، نراحت می‌شدفردی بودبه‌شدت مذهبی، خاشنلس و بهمین‌دلیل کارهایش در همین راستاست. آخرین کتاب ایشان با عنوان «فقه و حکمرانی حزبی» منتشر شد که در آن حزب را در منظر اسلام بررسی کرد، کاری که در دورانی که دوران تحزب است، هیچ‌کس انجام ندادیم.دو ماهواره مباحثه بسیاری یادیکدیگر در این‌زمینه داشتیم. فیرحی می‌گفت:از کتاب من که به‌نبوغی شناخت

حزب در جوامع لاییک بود، استفاده کرده و این نکته را بیان می‌کرد که بسیاری از مباحثش از این کتاب اقتباس کرده‌ام.ا رقع اینطور نبود و خودش ابراهیم رحمانی که در آن روزها باهم مباحثه‌سیاسی داشتیم، چرا که ای‌ها می‌شد که ساعت‌ها در اتاقی امن سستم‌وبحث می‌کردیم. ایشان هم مایل بود که ما هم مباحثه داشته‌باشیم و چون فکر می‌کرد من از نظرات آقای رغبی بیشتری دارم، در این حوزه باهم مباحثه بسیاری داشتیم. چیزی که ای‌ها می‌خواست از این مباحث استفاده کند یا جوابی‌های بر آن بیعت و دم‌وکراسی نیز اظهارات و تفسیر بسیار عمیقی را مطرح می‌کرد.ایشان به‌شدت دنبال وحدت حوزه‌و دانشگاه بود حتی زمانی که موسسه باقرالعلوم تدریس می‌کرد و مدیریت این موسسه بر عهده آقای اب‌تغفر بود. امیدهای وجود داشت که دست‌کم صدها مجتهد نواندیش از دل این موسسه بیرون بیایند اما سنت گریبان‌آزازه ندادند. این کار صورت بگیرد.

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

ماحصل پیوند حوزه و دانشگاه

رییس دانشگاه رتم که او هم معمم بود به‌ایشان گفتم در حق فیرحی ظلم شده‌است چرا که بسیاری استادشده‌اند که شاگردایشان هم نمی‌توانند باشند.رییس دانشگاه‌هم مباحثی را مطرح کرد و از گیر و گرفت‌های فنی‌گفت اما در خلال حرف‌های‌شان متوجه‌شدم که فیرحی درسی‌را تدریس می‌کرده که خود این‌اقاهم مدرسش بود. وقتی از این تعبیر استفاده کرد که فیرحی این درس را از دست من در آورد، متوجه‌شدم که متاسفانه کینه‌شخصی وجود داشته‌و گر نه من عضو هیات ارتقا‌ایشان بودم و امتیازات فیرحی بسیار بیشتر از میزان لازم بود. وبالغ بر ۲۱۰ امتیاز کسب می‌کرد.این که می‌بینید امروز بسیاری از همکاران و دانشجویان متاثر هستند یکی از دلایلس حسن خلق ایشان بود و اینکه هر کمکی می‌توانست انجام می‌داد.

بسیاری برای او در دل می‌کردند ولی یک‌بار حرف زدیم گریبان بدخواه کسی باشد.یار و یاور همه بود.از هر کس می‌توانست دستگیری می‌کرد. برای من که دوستان صمیمی بودی ندارم، در گذشت ایشان بسیار غم‌افزا و افسرده‌کننده‌است و بسیار از این بی‌ایات احساس تنهایی می‌کنم. اگر بخواهم از دغدغه‌های ذهنی فیرحی بگویم در باب حکومت در اسلام و دین و دولت در عصر جدید دغدغه‌های جدی‌داشت

بخورد اما برخی هم در حوزه بودند که سبک و نوا و برای ایشان رانمی‌سوزوندند. ایشان به‌م می‌کردندایشان هم حتی د‌خوهرهمی‌شد و می‌گفت این نتیجه‌تأثیر گذاری است. رابطه دم‌وکراسی و دین هم برای فیرحی از اهمیت سزایی بر خوردار بود. اهمیت دم‌وکراسی برای او هم در زندگی شخصی و هم در زندگی کاری‌اش وجود داشت. هر کس را هر طور که بودی، می‌پذیرفت. در عین حال امروز که متاسفانه تفسیرهای داعشی و طالبانی از اسلام وجود دارد، در سیمای او آنچه از یک روحانی انتظار می‌رفت، وجود داشت. بسیار نسبت به معلم سابق متواضع بود با اینکه بسیاری معتقدند روحانی نباید پشت سر کسی راه‌ب‌رود، امکان نداشت که ایشان جلوی من یا بشیریه راه‌برود. از بشیریه بسیار دفاع می‌کردو راه‌انشندم می‌دانست. رفتار متواضعانه او در همه‌جا از دانشگاه، خانه و همه‌جا یکسان بود.

راه فیرحی در فقه سیاسی بسیار پرثمر بود. تفسیری که فیرحی از ولی فقیه داشت، بر خلاف آنچه بعضی تصور می‌کنند، دیکتاتوری نبود. تصویری بود از کسی که می‌تواند در امور دینی مردم ارهادیات کند و در امور دینی هم مورد مشورت قرار گیرد. مباحث ایشان برای کسانی که در حوزه نظری مباحث ولایت فقیه فعالیت دارند، مملو است از نوآوری در مورد قوانین شریعت با الهایا یکدیگری به صحبت می‌نستیم. در مورد حکم سنسگار با ایشان گفتگو می‌کردم. مباحث بسیاری میان ما رد و بدل می‌شد و فیرحی می‌گفت علمای شیعه شرایطی گذاشته‌اند که عملیان این کار قابل اجرا نیست. همین مباحثه را در مورد حکم ارتداد یادیکدیگر داشتیم و ایشان بر عدم فتیش عقاید تأکید داشت و می‌گفت اینگونه نیست که هر کس اسلام می‌ترک کرد، جرمنش اعدام باشد. همچنین در زمینه ارتباط مبعوث و دم‌وکراسی نیز اظهارات و تفسیر بسیار عمیقی را مطرح می‌کرد.ایشان به‌شدت دنبال وحدت حوزه‌و دانشگاه بود حتی زمانی که موسسه باقرالعلوم تدریس می‌کرد و مدیریت این موسسه بر عهده آقای اب‌تغفر بود. امیدهای وجود داشت که دست‌کم صدها مجتهد نواندیش از دل این موسسه بیرون بیایند اما سنت گریبان‌آزازه ندادند. این کار صورت بگیرد.

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران

ضایعه اندوهبار



مصطفی معین

محترم ایشان و جامعه علمی ایران، تسلیت عرض کرده و از درگاه خداوند متعال برای ایشان رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و اجر مسالت می‌نماییم.

فصبر جمیل

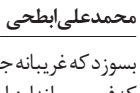


سیدمصطفی‌محقق‌دهل‌د

با قلبی آکنده از اندوه رحلت اسفناک مفضال از جمنند حضرت حجت الاسلام و المسلمین دکتر داود فیرحی استاد دانشگاه تهران و همکار مدعو گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم را به اطلاع می‌رساند. فقدان این پژوهشگر صلح‌دوست که هرگز چهره مهرباش از خاطر دوستان زایل شدنی نیست برای ارباب فضیلت ثلم‌های جبران‌ناپذیر است. این فاجعه مومله را خدمت بازماندگان داغدار و بستگان سوگوار و همه جامعه فضیلت‌گستر کشور تسلیت عرض می‌کنم و برای روان آن عزیز ز رضوان واسعه عرض متعال و برای عموم دانشیان از ملت ایران عزت و سرنلندی و برای به‌سوگ تنسنتگان این مصیبت صبر جمیل و اجر جزیل مسالت دارم.

فیرحی در اوج نیاز جامعه پر کشید

همه‌ا‌هایی فرهنگ در غم از دست دادن دکتر فیرحی سوختند. هر کس که او را می‌شناخت یا به اهمیت فرهنگ باور داشت، یا شرایط فعلی ایران و منطقه را می‌دانست، سوخت. من بیشتر از اینکه دل‌م برای فیرحی عزیز بسوزد که غریبانه جان خود را داد، این تعبیر مبالغه‌آمیزی نیست.



محمدعلی اب‌طیخی

چند خصوصیت متفاوت داشت: به‌صورت عمیقی علوم دینی‌را مطالعه کرده بود و انصاف‌تجدیدی مسلم بود. می‌شد کسی با اطلاعات اندکی فیرحی را از دین‌های بدلی بترسانند. از سرچشمه ناب سیراب بود. دکتر تمام در علوم سیاسی بود. شاگردان زیادی در دانشگاه داشت. عمق اطلاعات دانشگاهی و حوزوی در وجود او تلاقی پیدا کرده بود. از هر دو موضع می‌توانست عمیق و علمی حرف بزند.

در جامعه ما که قشری‌گری دینیی رواج یافته و به جای اندیشه، چماق تکفیر بالا رفته است و قدرت حاکمیتی هم در نزد دین و دینداران است، کسی که بتواند لب‌های ارتجاعی از دین حاکم را بزد بزد بسپار اندک است. کسی فیرحی وقتی به روپارایی دین قشری می‌رفت، روشنفکرانی هم که ضد مذهب بودند نمی‌توانستند در برابر استد‌های علمی مبتنی بر تاریخ و علم سیاست حرف‌ها را شنیده بگیرند.

این خصوصیات و اقسامش را می‌توان متفاوت کرده بود. از همه درنکات آن اینکده درست در اوج شگوفایی و دقیقاً به وقت ثمردی او پر کشید. ایران و اسلام بیش از هر زمان دیگری به این فصل الخطاب‌های علمی برای نغفی تاجر و سنگواری گی نیاز داشت.

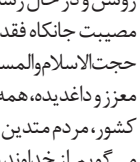
لحظه به لحظه گروه‌های افراطی منطقه را پیگیری می‌کرد، فضای آنها را می‌شناخت و مرتب در مقاله‌هایش مبانی آنها را مورد نقد قرار می‌داد. تقدیمی‌کار دشواری است. افتات و حملات تند کار ساد‌های است. اما به‌جاش کشاندن دلیل و ریشه‌های تفکر غلط افراطی‌ها، امری مهم است که فیرحی در کتاب‌ها و نوشته‌های خود به آن می‌پرداخت.

در داخل هم مبارزه هدفمند و علمی با افراطی‌گری دینی و پیداکردن راه‌حل‌های اعتقادی در ورای گفت و شنوده‌های سیاسی برایش مهم بود. آرای او موقرانه‌در اردوگاه مبارزه با افراط و خشونت قرار داشت. آن قدر متقن سخن می‌گفت که کمتر کسی به‌مصرف روپارویی علمی باومی‌توانست برود.

در هر حال کرو‌نای لغتی این موجود ذقیمت‌راز جامعه بود. امیدوارم شاگردانش با تلاش و تحقیق و پایبندی به مرزهای علمی این مسیر مانده بر زمین را دنبال کنند و روح این دوست عزیز و دانشمند فرهیخته با پیمایش اندیشه‌های علمی‌اش شاد شود.

مصیبت کج‌هاله

اللّهُ وانا لله راجعون
انذامت المومن الفقیه ثلم فی الاسلام ثلمه لایستد‌هاش
اندوه و درد که مصیبت بسیار سنگین است.
جامعه علمی و پژوهشی کشور و جهان از وجود اندیشه‌های روشن و در حال رشد و بالندگی محروم گردید! مصیبت جناک‌ه فقدان استاد برجسته حوزه و دانشگاه محترم و داغدیده، همه‌دوستان، جامعه علمی و پژوهشی کشور، مردم متدین و زحان و ملت شریف ایران تسلیت می‌گویم. از خداوند برای او علو درجات و همشنینی با انبیا و صالحین و برای خانواده و بازماندگانش سلامتی، شکیبایی و پاداش نیکو خواستارم.



هادی قایل‌جامی

دانش آموخته دکتری از علوم سیاسی

هجرت استاد فقه سیاسی



سعیدماخانی

از شمار دو چشم یک تن کم اوز
شمار خرد هزاران بیست
استاد داود فیرحی در حالی
که در کمای مصنوعی ناشی
از کرونا به سر می برد باطمینان
همیشگی اش جان به خزانه
مالک فرستاد. کسانی که او را
از نزدیک می شناساختند یا در کلاس های او شرکت
کرده بودند، طمانینه و طنین دلنشین صدای او را
خوب به خاطر دارند؛ حتی جان سپردن او هم یادآور
منش اوست. کافی بود سوالی بپرسید تا این مطلب را
بیشتر در بابیاید؛ لحظه های سکوت می کرد تا ذهن خود
را منسجم کند، به چشمان تان خیره می شد و سپس
با حوصله پاسخ می داد. حتی نخستین مواجهه من با
استاد نیز چنین بود؛ در حالی که از سر خوشی ناشی
از قبولی در مقطع کارشناسی ارشد راهروی اساتید را
دانشکده حقوق راز یز پامی گذاشتم، چشلم به استاد
افتاد، درب اتاقش باز بود و مشغول تروق کتابی بود. به
خود جرات دادم تا داخل شوم و موضوعی را که برای
رساله ام در ذهن داشتمت با او در میان بگذارم. صبر و
متانتش در مواجهه با نوادانشجوی ناپخته مثال زدنی
بود؛ امری که پس از آن همواره مرا در مراجعات مکرر
به او گستاخ تر می ساخت.

روی گشاده او سبب شد تا در مراحل نخستین تصویب
رساله دکتری با بهره سراف استاد بروم که در اینجا اشارهای
به موضوع این بحث خواهم کرد- البته، ناگفته نماند که
استاد به خاطر بیماری فرزندش نتوانست در کمیته داوری
رساله قرار بگیر. وقتی در مراحل نخستین نگارش رساله
بودم با منبع مهمی در تاریخ قانون طبیعی در غرب مواجه
شدم که موضوعی بکر را در قلب بررسی تاریخی خود
قرار داده بوده، این کتاب «The Idea of Permissiveness
Natural Law» نام داشت که نویسنده اش کوشیده
بود توضیح دهد که قانون طبیعی ایچی- یعنی سپهری که
خدا- قانون گذار به سکوت برگز کرده بود- چه نقشی در
پیدایی مفهوم «حق» در غرب داشته است. استاد فیرحی
در کتاب «فقه و سیاست در ایران معاصر، فقه سیاسی و فقه
مشروعه» مستنبطی دقیقی از حوزه های مختلف احکام
فقهی به دست داده بود که جنبه ای از آن به اباحات شرعی
و غیر شرعی مربوط می شد. یعنی حوزه ترخیص در بعضی
امام آن. شباهت این دو بحث توجه مرا جلب کرده بود که
می خواستم نظر استاد ابدلم؛ به علاوه، هنوز در انتخاب
معادلی برای این مفهوم مطمئن نبودم. گمان می کردم
که حماسه استانی که کتاب تازه منتشر شده ر اندیده و حماسا
برایش جذاب خواهد بود. اشتباهی می کردم. وقتی وارد اتاق
شدم، به سبب از دحام دانشجویان دکتر نقیب زاده، استاد
فیرحی با اشاره لب خون خود من فهماندم که بیرون از اتاق
صحبت کنیم؛ شاید بیش از یک ساعت سرا مشغول
صحبت بودیم، چیزی که طاعت استاد اطلق نکرد.

همین که بیرون آمدیم، با بلیندی می رب شمه ای از
رضایت درونی اش را می نمود، گفت: «هی بینم که کتاب
تیرنی [Brian Tierney] را می خوانی»، تیرنی نام
نویسنده کتاب بود. استاد فیرحی گفت که دوستی این
کتاب را برای او تهیه کرده و او نگاه می به آن نداشته است.
محمد بحث حاضر و بافتن معادلی فارسی برای- permis-
sive natural law گذشت که در نهایت به «قانون
طبیعی ایچی» رسیدیم. استاد به درستی اشاره کرد که
چگونه به رسمیت شناختن حوزه اباحه در تاریخ اندیشه
حقوقی غرب، مخصوصاً زمان پیدایی مکتب حقوقی
ایتالیادر سده دوازدهم، سپهر آزادی و حق را گشوده است.
در آنجا دریافتن که مسئله منطقه الفراج شع راچه پایه برای
استاد مهم است و باید در پروژه او جدی گرفته شود. بعدها،
به کرات در کلاس ها و سخنرانی های او دیدیم که راجعاتی
به تیرنی می دهند و بحث او را واجد اهمیتی بنیادین در فقه
تمدن غرب می داند.

این به واقع یکی از جنبه های مهم شخصیت علمی استاد
فیرحی بود که همیشه نیم تنگی به دستاوردهای فکری
تمدن غرب من داشت. این خصیصه بود که او را به خوبی
پژوهنگر در معنای دقیق کلمه بدل می کرد که به خوبی
در پانوشته های او بر رساله «تنبیه الامه و تنزیه المله»
محقق پانینشی هم قابل مشاهده است. هم او که می کوشید
گسودگی ای در فقه بیاورند تا بتواند یک زبان حقوق
جدید تولید کند، خوب می دانست که این مهم را نمی رسد
که بدون توجه به دستاوردهای حقوقی غربی انجام دهد.
دوستان و علاقه مندان اساتید تک می دانند که هم او
در سال های اخیر توجهی ویژه به جان لاک و مخصوصاً
«رساله ای در باب تساهل» او پیدا کرده بود و می کوشید
جنبه ای متمسکانه را از نیز او را در نظام فکری خود کند.

باری، آنچه می توان از استاد فیرحی آموخت، صبر و

متانت است و وقت خود به پژوهشی دامنه دار ولنت بردن از

زیبایی های جهان پژوهش است. هر چند نظام فکری استاد

فیرحی به نقطه پایانی خود نرسیده اما پیش بردهای است

که باید جدی گرفته شود و ادامه یابد.

دانش آموخته دکتری اندیشه سیاسی

پیام تسلیت

عالم وارسته

سیدضیاء مر تصویی | خبر تاسفبار و تاثیر انگیز
در گذشت دوست عزیزمان، جناب حجت الاسلام و
المسلمین آقای دکتر فیرحی رضوان الله علیه، اندوهی
سنگین بر دل های علاقه مند به این انسان فرهیخته
و متخلق و اندیشمند فرزانه گذاشت. این عالم وارسته
که نمونه های ستودنی از پیوند عملی علم و اخلاق بود و
در این روزها امید به شفای او سست بودیم. شمع جمع
دوستان بود و افسوس که بسی زود خاموش شد و ما
را سوگوار فقدان خود کرد. این مصیبت اندوهبار را به
خانواده گرمی، دوستان ارجمند و شاگردان ایشان
تسلیم می گویم و از خداوند مهربان برای آن مرحوم
رحمت و روضاوان و برای همه داغدیدگان به ویژه
خانواده ارجمند ایشان پادش صابران را درخواست
می کنم.

اللهم اغفر له و لنا و لجمع المومنین و المومنات

آرامش اخلاقی در تدریس و تحقیق



سیدحسین موسوی تبریزی

از اوایل پیروزی انقلاب اسلامی،
زمانی که در دادستانی کل بودم
یا زمانی که در مجلس شورای
اسلامی حضور داشتم به شهرقم
رفت و آمد بسیاری می کردم و در
دورهای هم در دفتر تبلیغات درس
فقه می دادم و همان زمان مرحوم
فیرحی را می شناختم. ایشان اهل زنجان و هم زمان ما بودند
و همین باعث شده بود به نوعی خیلی زودتر با یکدیگر
صمیمی و آشنا شویم. هر چند مر حوم شان از من کمتر
بود ولی من از ارداد بسیار بیشتری به ایشان داشتم. مرحوم
فیرحی انسانی بود که بسیار به درس خواندن و پیگیری شدن
برای بحث از خود علاقه نشان می داد. در آن زمان که بنده
با ایشان آشنا شدم، سال چهارم یا پنجمی بود که ایشان
وارد حوزه علمیه شده بودند ولی با این حال به خاطر دارم
که خیلی در پیگیری مسائل درس دقیق بودند و تلاش
می کردند که مفاهیم و مسائل را در ک کنند و بفهمند.
ایشان در عین تلاشی که همیشه داشتند از یک آرامش
قلبی و روحی برخوردار بود. در آن روزگار که مشکلات
بسیار بود، در کشور مردم درگیر دفاع مقدس بودند و در
عین حال برای هر کدام از ما فراق تاریخی های پیش می آمدو
ماننا راحت می شدیم ولی ایشان هرگز در این موقعیتهای
سخت بر خاشگری به دیگری نداشتند.

یکی دیگر از ویژگی های مرحوم فیرحی که باید به آن
اشاره کنیم، تواضع ایشان بود. با وجود اینکه نسبت به
دیگران تلاش بیشتری می کردند ولی همیشه از این
پرهیز داشتند که خودشان را در معرض دیگران قرار دهند
یا اینکه بخواهند معروف شوند. این ویژگی اخلاقی ایشان
هم در استای همان آرامش شان بود. درس و تحقیق خود
را در آرامش کامل به پیش می بردند و عجله ای مادر ایشان
نمی دیدیم که بخواهند نتایج کار خود را به رخ دیگران
بکشند به همین خاطر همواره در یک آرامش اخلاقی و
عملی حرکت می کردند.

همین مسلک رفتاری را هم در دانشگاه در درس دادن،
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

روحانی نیک خو

حکمت الله ملاصالحی، استاد علوم سیاسی
دانشگاه تهران | اخیر در گذشت استاد فیرحی برای
اینجانب بسیار غم انگیز بود. جامعه علمی ما و جامعه
روحانیت ما و جامعه دانشگاهی ما یک روحانی نیک خو،
نیک خواه، نیک اندیش و آگاه راز و دهنگام از کف دادو
ضایعاتی است بزرگ و جبران ناپذیر نخستین بار که

میراث دار دوست حوزوی و دانشگاه

محمود صادقی، دبیر کل انجمن اسلامی
مدرسین دانشگاهها | اساتید اندیشمند و دانش پژوه
و نظریه پرداز دکنتر داود فیرحی بر اثر ابتلا به ویروس
مرگبار کرونا در فانی راودام گفت. غم و اندوه و بهت
ناشی از خبر چنان سنگین است که دستم برای
نگارش چندسپار پیام تسلیت به سختی به قلم می رود.
حجت الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی نمونه ای
مثال زدنی از ظهور نسلی نو در جامعه علمی ما بود که
ضمن بهره گیری از میراث علمی دو سنت حوزوی و
دانشگاهی در حوزه علوم انسانی مواجهه ای نقادانه و
جسورانه با آنها داشت. او هم در عرصه آموزش، هم در

یک معلم ساده باقی ماند



صادق زیباکلام

باخبر شدم که همکار ارجمند
جناب حجت الاسلام د کتر داود
فیرحی به واسطه ابتلا به کرونا
روز ۲۱ آبان ماه ۱۳۹۹ فوت
شدند. به خانواده شان، اساتید و
کارکنان محترم دانشکده حقوق
و دانشجویان شان صمیمانه
تسلیت عرض می کنم. به عنوان یک استاد علوم
سیاسی که در عین حال ها دروس حوزوی را در
زنجان زادگاهش و قم هم خوانده بود، مهم ترین ویژگی
آن مرحوم سعه صدر، مدارا، تحمل نظرات مخالف و
صداقت بود.

نزدیک نشدن به جریانات سیاسی حکومتی همچون
اسلامی کردن دانشگاهها، اسلامی کردن علوم انسانی،
و جدت حوزه و دانشگاه، انقلاب فرهنگی و اسلامی
کردن علوم سیاسی، ویژگی دیگر آن مرحوم بود. یقیناً
به عنوان یک استاد علوم سیاسی که تخصص فقه،
فلسفه و اندیشه سیاسی می بود و دروس حوزوی را هم تا
سطح اجتهاد خوانده بود، مرحوم فیرحی دارای تفکرات
گسترده ای پیرامون مباحثی همچون حکومت دینی،
نقش و جایگاه فقه در پارادایم یک نظام سیاسی مبتنی
بر شریعت و این دست مطالب هم می بود.

بسیاری از نوشته ها و آثارش اساساً در خصوص این
دست مطالب بود. اما نکته مهم آن است که او هرگز
سعی نکرد از این مقالات برای خودش پایگاه و جایگاه
سیاسی ایجاد کند. من شهادت می دهم که با سواد
حوزوی و علوم سیاسی که از آن برخوردار می بود، اگر
می خواست به راحتی می توانست به خیلی جاها هم
برسد اما بر عکس زبست. چند ماه پیش به همراه دکتر
محمدزاده از اساتید حقوق دانشکده او را دیدم. افسوس
که نمی دانستم آخرین باری است که او را می دیدم. هر
دو شان دو، سه سالی می شد که به دنبال گرفتن سند
مجتمع مسکنی اساتید دانشکده در سوهانک بودند.
دکتر فیرحی متمسکانه گفت: «زیبا من و این دکتر
محمدزاده واقعا دیگه خسته شده ایم از بس دنبال
کارهای سند مجتمع مسکنی اساتید در سوهانک
رفته ایم. توی شهر داری منطقی یک یا دفتر حاجی
اشنایی نداری؟» در حالی که کم نبودند شاگردانش
تو آورانه، راهی برای آینده باز کند. آگاهیم که پس از
انقلاب، چقدر در این زمینه ها، باطیبل نوشته شد، اما
اندک بودند کسانی که اندیشه های قابل تامل داشتند،
متون را می شناختند و با تسلط بر آرا و نظریات جدید،
به نقد و بررسی آنها می پرداختند.

فیرحی، درس های حوزوی و رشته تحصیلی خودش
را که قدم به قدم پیش آمده بود، در دست خوانده بود. راه
و رسم اندیشیدن در متون را می دانست، جست و جو
می کرد و می کوشید تا با شناخت بستر تفکر سیاسی
در ایران، یافته های علمی خود و نوآوری های خویش را
مثل یک دستگاه فکری منظم آرایه دهد. هدف او نوشتن
یک کتاب نبود، هدف او آرایه یک دستگاه فکری بود که
جامعه راه هم باز کند. او برای پیشبرد اهداف آرازی خواهانه
متون را می شناختند و با تسلط بر آرا و نظریات جدید،
به نقد و بررسی آنها می پرداختند.

فیرحی، درس های حوزوی و رشته تحصیلی خودش
را که قدم به قدم پیش آمده بود، در دست خوانده بود. راه
و رسم اندیشیدن در متون را می دانست، جست و جو
می کرد و می کوشید تا با شناخت بستر تفکر سیاسی
در ایران، یافته های علمی خود و نوآوری های خویش را
مثل یک دستگاه فکری منظم آرایه دهد. هدف او نوشتن
یک کتاب نبود، هدف او آرایه یک دستگاه فکری بود که
جامعه راه هم باز کند. او برای پیشبرد اهداف آرازی خواهانه
متون را می شناختند و با تسلط بر آرا و نظریات جدید،
به نقد و بررسی آنها می پرداختند.

هنوز پیام مرآندیده است

از رونده نیرسید کجا می رود،
از راهی که می رود معلوم است
رهسپار کجاست. اما فیرحی خود
راه بود. باید منتظر می ماندی
ببینی به کجا می رسد. دست
روگزار بوته زندگی او را این
همه بی ملاحظه کنده است.
چشمهای روشن زندگی شیشه های شده اند. چندان که
گوییم نمی شناسیم. تمایذ غنیغناغنی شخصی و جمعی ام
راه حاشیه ایا تقم برتاب می کنم.



محمد جواد کاشی

از آخرین بار، در جلسه مفصلی در فرهنگستان علوم،
دعوتش کردیم تا آخرین یافته های خود را برای جمع
دوستان بیان کند. جلسه ای طولانی که ایشان، قدم به
قدم از دستگاه فکری و کارهای علمی گذشته و آینده
خویش را بیان کرد. آنجا به خوبی می شد فهمید که
تفکر کسی که یسایه او را پیشرو در علم ورشته علمی اش
دانست، با کسانیکه می یی هوا و در جاده های ناهموار مدعی
هدایت ماشین علم ادعایی هستند، چه فرقی دار.
دلسوزی عزیز از دست رفته ما، مرحوم فیرحی برای
باز کردن مسیر یکی از مشروطه از سوی عالمان
نواندیش و آزادخواه به روی مردم باز شده بود،
قابل تقدیر بود. این احساسی از ترون بر جنبه های
تحقیقی و پژوهشی او بود. بودند و هستند کسانی
که پژوهش در حوزه تاریخ و اندیشه سیاسی را در
خدمت استبداد گرای و نابود کردن آزادی و اندیشه
آزاد می خواستند، اما فیرحی با تمام توان و با استناد
به هر نص و خبر دینی که می یافت، در تلاش بود تا
وجه انسانی و آزادخواهانه دین را، به ویژه در بعد
اندیشه سیاسی نشان دهد. خدای رحمتش کند.

استاد تاریخ دانشگاه تهران

محمد مجتهد شبستری |
با تاثر و تاسف فراوان استاد ارزشمندی را
از دست دادیم که با پژوهش های رهگشا و
سعه صدر مثال زدنی اش، مطالعات دینی و
سیاسی دهه های اخیر ایران را غنا می بخشید

سید حسین خمینی |
«بسمه تعالی
در گذشت عالم جلیل القدر و اندیشمند فکور
برادر عزیزمان حضرت حجت الاسلام والمسلمین
دکتر داود فیرحی رحمت الله و روانه علیه
موجب تاثر بسیار برای همه کسانی است که از
نزدیک با ایشان آشنا بودند و با کمالات علمی و
شخصی آن مرحوم آشنایی داشتند.
مرحوم فیرحی از جمله عالمانی بود که از جوانی
با درک صحیح از نیاز روزگار خود در کنار علوم
متداول حوزوی، به مطالعاتی فراتر از مباحث
رایج در حوزه های علمیه روی آورد و در این

فیرحی در پیرایش دین و انقلاب از تحجّر و جمود همت می گماشت.

فیرحی در پیرایش دین و انقلاب از تحجّر و جمود همت می گماشت.

فیرحی در پیرایش دین و انقلاب از تحجّر و جمود همت می گماشت.

به احترام داود فیرحی

بدون تعارف، برای من، کسی
استاد مطهری نمی شود، و این
نیست مگر به حیث قدرت
تفکر، حسن نقادی و حق گوئی و
آزادخواهی اش و به ویژه اینکه
در این میان، توانست این حس
خود را با ایمانش جمع کند، با
بهتر است بگویم. حساب علم و استدلال را با حسابد،
ایمان و عشق دینی اش، جدا کند. ممکن است عشق،
سلطه عقل را نیز پذیرد، اما اینکه بتواند در امتداد او باشد
و اجازه دهد عقل کار خودش را بکند، خودش امتیازی
می داند و بسیار هم جدی و فعال در این عرصه وارد
می شدند. همواره در تهران و در قم حضور موثری داشتند
و ماعمولار در جلسات در خدمت ایشان بودیم.

ایشان نظراتی داشتند که گاهی به روح آرام و پاکشان
بر می گردد. واقعا ایشان به دور از کلامش توهین به
سعی می کرد کسی را نفی نکند و در کلامش توهین به
دیگران نباشد و همین ویژگی اخلاقی هم ایشان را در بین
روحانیت و جامعه اساتید دانشگاهی محبوب کرده بود.
ایشان بر اساس علم و تحقیق و اندیشه کارها را به پیش
می برد. کتاب های شان هم بر اساس تحقیق و آرایه
به آنر رسیده و اصلا برای نتیجه کار عجله نداشتند. این
اینکه نکتته ای را مطرح کند یا اینکه فقهی های را اثبات کند
اصلا عجله نمی کردند و با صبر و حوصله تا تمام شدن
تحقیقات به کار خود ادامه می دادند تا موضوعی را پخته
شده حساب نمی کردند، به آن وارد نمی شدند و وقتی هم
پخته می شد، آن را طوری عرضه می کردند که بوی تحقیر
دیگران نداشتند که خودشان را در معرض دیگران قرار دهند
اخلاقی در تدریس ایشان هم جاری بود. مرحوم فیرحی در
مناسبت های ملی یا مذهبی سخنرانی های مذهب داشتند
و ما گاهی خدمت ایشان بودیم. ایشان در سخنرانی های
گوناگون مباحث را با آرامش خاصی بیان می کردند و همین
باعث می شد تا همه اساتید گفتمند. واقعا منیر ایشان کلاما
عین دانشگاه آرام و منظم بود و همین باعث شده بود که
افراد باسواد، محقق و قاض و اندیشه به سخنرانی ایشان
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

فیرحی را می شناختم. ایشان اهل زنجان و هم زمان ما بودند
و همین باعث شده بود به نوعی خیلی زودتر با یکدیگر
صمیمی و آشنا شویم. هر چند مر حوم شان از من کمتر
بود ولی من از ارداد بسیار بیشتری به ایشان داشتم. مرحوم
فیرحی انسانی بود که بسیار به درس خواندن و پیگیری شدن
برای بحث از خود علاقه نشان می داد. در آن زمان که بنده
با ایشان آشنا شدم، سال چهارم یا پنجمی بود که ایشان
وارد حوزه علمیه شده بودند ولی با این حال به خاطر دارم
که خیلی در پیگیری مسائل درس دقیق بودند و تلاش
می کردند که مفاهیم و مسائل را در ک کنند و بفهمند.
ایشان در عین تلاشی که همیشه داشتند از یک آرامش
قلبی و روحی برخوردار بود. در آن روزگار که مشکلات
بسیار بود، در کشور مردم درگیر دفاع مقدس بودند و در
عین حال برای هر کدام از ما فراق تاریخی های پیش می آمدو
ماننا راحت می شدیم ولی ایشان هرگز در این موقعیتهای
سخت بر خاشگری به دیگری نداشتند.

یکی دیگر از ویژگی های مرحوم فیرحی که باید به آن
اشاره کنیم، تواضع ایشان بود. با وجود اینکه نسبت به
دیگران تلاش بیشتری می کردند ولی همیشه از این
پرهیز داشتند که خودشان را در معرض دیگران قرار دهند
یا اینکه بخواهند معروف شوند. این ویژگی اخلاقی ایشان
هم در استای همان آرامش شان بود. درس و تحقیق خود
را در آرامش کامل به پیش می بردند و عجله ای مادر ایشان
نمی دیدیم که بخواهند نتایج کار خود را به رخ دیگران
بکشند به همین خاطر همواره در یک آرامش اخلاقی و
عملی حرکت می کردند.

همین مسلک رفتاری را هم در دانشگاه در درس دادن،
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

همین مسلک رفتاری را هم در دانشگاه در درس دادن،
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

همین مسلک رفتاری را هم در دانشگاه در درس دادن،
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

همین مسلک رفتاری را هم در دانشگاه در درس دادن،
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

همین مسلک رفتاری را هم در دانشگاه در درس دادن،
مقابل سایر اساتید همچین کنار سایر دانشجویان پیشه
کرد خود دیدیم. من تجر به تدریس در دانشگاهها، انیز
دارم. در دانشگاه دانشجویان چون جوان هستند و در
معرض یادگیری برای اینکه بتوان آنان را تباطر بر قرار کرد
باید استاد چند ویژگی داشته باشد. خوب گوش دادن به
دانشجویان، با دقت تحقیق کردن و حفظ آرامش سه
ویژگی مهمی است برای کسی که می خواهد در دانشگاه
حضور داشته باشد و در میان دانشجویان نفوذ کند. مرحوم
فیرحی وقایع این سه ویژگی را دارا بود و در این راه هم اصلا
اهل یا کاری نبود. واقعا شخصیت خود را با آرامش روحی
ساخته بود. در همین حال که به درس و بحث در دانشگاه

واینک خسارتی جبران‌ناپذیر



الهه کولابی

بیش از دوهفته پیش، خبردار شدیم دکتر داوود فیرچی در بیمارستان لاله بستری شده است. گروهی از همکاران او در گروه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای و حقوق دانشگاه تهران، به شکل‌های مختلف وضعیت مبارزه او با ویروس کووید ۱۹ را پیگیری و گزارش می‌کردند. دیروز پیامی از رییس بخش آ‌سی‌وی‌یو در بیمارستان لاله شنیدیم که بسویار امیدبخش بود. همه‌ما مر مت‌برای شفایش دعا می‌کردیم و توصیه‌های مختلف در این زمینه رانجام‌می‌دادیم. در حالی‌که از درگاه خداوند شفای کاملش را درخواست می‌کردیم، به برآورده شدن دعاهای‌مان ایمان داشتیم. ولی در همان حال از ضرورت تسلیم و رضایت در برابر اراده خداوند غفلت نکرده بودیم. خبر‌های دردناک و اندوهباری در ماه‌های گذشته، کام‌همه ایرانیان، بلکه جهانیان را تلخ کرده و خسارت‌های عظیم، با‌زدست رفتن گسترده سرمایه‌های انسانی، روح و‌جان‌مان را از‌زده ساخته‌است.

دیروز خبر در گذشت دکتر داوود فیر چی همه ما را شوک کرد. اندوهی سستگین جان‌مان را فراگرفت. از دست دادن همکاری ارزشمند، عالم، با‌اخلاق ورفشار مثال‌زدنی، نه‌می‌است کوچک‌که به سادگی بتوان تحمل کرد. دکتر فیرچی فقط یک همکار دوست‌داشتنی در میان استادان دانشکده حقوق وعلوم سیاسی نبود، او استادی باسواد، متعهد، وظیفه‌شناس، سخت‌کوش، فروتن و خوش خلق بود. پیش‌تر او را به‌عنوان دانشجویی می‌شناختم که در حوزه درس خواننده و در دانشکده ما هم در حال دکتری گرفتن است. ولی وقتی‌از من خواست در پاسخ به دعوت یکی از استادان در ترکیب - که مقاله‌های استنادی از کشور‌های مختلف را گردآوری می‌کرد تا در مورد جنبش‌های اسلامی کتابی را منتشر سازد- در مورد سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی مقاله‌ای را به انگلیسی بنویسم تا در کتاب او چاپ شود، با گستره فعالیت‌های علمی او آشنا شدم، خودش هم در این مجموعه مقاله‌ای داشت.

بزدوی در یافتن همراه با خلق خوش و بر‌خورد‌های اخلاقی و فروتنانه، دکتر فیرچی تلاش‌های بسیار ارزشمند و تاثیرگذار علمی را در سطح بین‌المللی دنبال می‌کرد. در شرایطی‌که ترور و خشونت به نام اسلام، پرده‌ای سیاه و نفرت‌انگیز بر این آموزه‌های الهی افکنده، فعالیت علمی دکتر فیرچی در طرح، تبیین و انتشار یک خوانش انسانی و امروزی اسلام بسیار ارزشمند بود. او که آموزش‌های حوزه‌ای را به‌خوبی فرا گرفته بود، توانست با ارایه درداشت‌ها و تفسیر‌های جدید از رابطه دین و سیاست، افق‌های علمی جدیدی را در مورد نسبت و رابطه این دو عرصه بگشاید. او دکتری رشته علوم سیاسی را نیز با تمرکز بر اندیشه سیاسی گرفت.

نوسازی و ساختار‌بندی جدید و امروزی آموزه‌های اسلامی، در پاسخ به نیاز‌های جوامع امروزی و به‌ویژه طرح و تبیین پیوند میان این آموزه‌ها با تجربه‌هاونهاد‌های جدیدسیاسی در کار‌های علمی فیرچی، به خوبی قابل رهگیری است. نتیجه فعالیت‌های علمی بین‌المللی تاثیرگذار دکتر فیرچی و نیاز‌های جهانی به درک و شناخت اسلام، با‌خوانشی امروزی و انسانی از در‌ج‌اج‌های بین‌المللی به آثار او، بازتاب یافته است. در آخرین گزارش از عملکرد علمی استادان دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه تهران روشن شد، او در میان استادان این دانشکده، بالاترین ارجاع بین‌المللی را به مقاله‌ها و کتاب‌هایش داشته‌است. این واقعیت نشان‌دهنده یک توجه و نیاز بین‌المللی به موضوع رابطه دین و سیاست در تاریخ جوامع اسلامی و نیز در ایران است. او در عمر علمی کوتاه خود توانست خدمتی شایسته و ارزشمند، در ارایه چهره‌ای انسانی از اسلام ارایه دهد. زندگی پربار دکتر فیرچی، می‌رانی گرانبهار را در اختیار همکاران و دانشجویان او قرار داده تا پس از این رفتن اندوه‌بار، با مطالعه و تامل در آن، تلاش‌های سازنده او را بی‌بگیرند و کار‌های نیمه‌تمام‌استاد را پیش ببرند.

روانش آرام و شاد و راهش پر‌رهرو باد

استاد دانشگاه

یاد — ۱۱
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>
مرگ چنین خواجه نه کاریست خود…

شهبندخت مولاوردی | درگذشت دکتر داود فیرچی استاد فرهیخته علوم سیاسی و پژوهشگر برجسته حوزه اندیشه سیاسی جامعه علمی، دانشگاهی و حقوقی کشور و نیز جامعه‌زنان را به سوگ نشاندان و از آراء اندیشه‌های روشنگرانه، بالنده و مصلحانه‌این اندیشمند فرزانة محروم کرد. دکتر فیرچی با تالیفاتی که از متون مرجع برای دانشجویان علوم سیاسی به شمار می‌رود (از جمله: قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تاریخ تحول دولت در اسلام، فقه و سیاست در ایران معاصر)، در بافه‌می و با‌اندیشی نسبت و رابطه میان فقه و دولت و سیاست و قانون، سهم غیرقابل‌انکاری به‌خوداختصاص داده‌است.

با‌نیاهت اندوه و حسرت این ضایعه جبران‌ناپذیر را به خانواده سوسمند و علاقه‌مندان و رهروان کوشندگان حوزه نوآندیشی دینی تسلیت نموده و از خداوند متعال برای این عالم وارسته علو درجات و برای بازماندگان ودوستان و همراهان‌شان صبر و آرامش مسالت می‌نماید.

اندیشه

نظر
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>

متدین دردمند روشنفکر پرسرگر



غلامرضاظر بفیان

تحقیقات و پژوهش‌های دکتر فیرحی متکی بر پرسش‌ها و تاملات عمیقی بود. در عین حال تلاش می‌کرد از درون این پرسش‌ها،مسائل جدیدی استخراج کند.از این رو رویکرد او اساسا پرسش‌محور بود و دانش را بر مبنای سوال و پرسش در نظر می‌گرفت.از این رو پاسخ‌هایی هم که مطرح می‌کرد، بسیار نوآورانه و بدیع بود. برای مثال کتاب مهم قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام مدت‌های مدید است که منتشر شده، اما به دلیل پرسش‌های جدی‌ای که‌در آن کتاب مطرح‌شده،همچنان اثری بدیع و حائز اهمیت است.از این حیث مباحثی که او مطرح می‌کرد،یک یختگی خاص دارد.از این رومثلاکتاب قدرت،دانش ومشروعیت در اسلام،نمونه‌مشابهی در ایران ندارد.این عمق و پختگی را در سایر آثار دکتر فیرچی نیز می‌توان دید.

این پرسش‌ها، او را به یک‌نقطه‌اتصال رهنمون کرد و توانست دریابد که‌بین مسائل بنیادین آغازین دوراسلامی و تحولات دوره‌های مختلف تا مسائل امروز، یک پیوستار عمیق وجود دارد. بنابراین وقتی او سمت طرح مساله در صدر اسلام می‌رود،اولا همه آثار تحقیقاتی و پژوهشی را با دقت مدنظر قرار می‌دهد و ثانیاز دل این آثار یک پروزه‌ای استخراج می‌کند.به عبارت دیگر اومیان مسائل صدر اسلام و سده‌های میانه و حاضر یک پیوند او تباط می‌بیند و در همه‌این‌مساله‌هاومعضله‌هاومسئله‌های رای‌می‌بیند که بایکدیگر مرتبط هستند.یعنی ایشان به‌خوبی وبانکیه‌بر تحقیقات گسترده‌ی دانست،ریشه‌انچه را که‌در مشروطه رخ می‌دهد و او به آن پاسخ می‌دهد، باید در تاریخ اسلام بوجدیداز دیددکتر فیرچی یک‌درهم‌تیدگی عمیق میان اسلام و ایران مطرح بود و اومسائل این روز ادر پیوند با یکدیگر و نه در تضاد آنها باهم، می‌دید و از زیبایی می‌کرد. بسیاری از مباحثی که او در طول تاریخ اسلام جست‌وجو می‌کرد،مواد و فرآورده‌های خوبی برای فهم مباحثی فراهم می‌کرد که در فقه مشروطه و قانون اساسی مشروطه به دنبال‌آنها می‌گشت.

دیگرو ویژگی مهم پژوهش‌های مر محروم فیرچی این است که با پرسش‌های امروز ما تاریخ گذشته را می‌کلودتاریخاند به مسائل امروز ما پاسخ بدهد.از این رو در عین حال و اسیر معاصریت نیست، با کاوش در تاریخ صدر اسلام و سده‌های میانه، موادی را برای فهم امروز به کار می‌بندد. این حکایت از آن دارد که او در دکانون دارد و یک محقق محض نیست.از این حیث می‌توان تا حدودی او را براد نظر داشتن تفاوت‌ها با مر محروم دکتر شریعتی مقایسه کرد.از درون‌آنها شریعتی نیز درد بیرون می‌آمد و نشان می‌داد که این عالم تعهداجتماعی دارد و به مسائل ودغدغه‌های

یاد — ۱۵

بیشتر فکری می‌کردم آنگاه که عزیز را از دست بدهم بیش از هر چیز در سوگ او به زاری خواهم نشست. بعدا فهمیدم که مرگ چهره دیگری دارد، ناگهانی سر می‌رسد و همه را غافلگیر می‌کند.تو می‌مهور می‌مانی که چگونه یک استناد، یک معلم و یک دوست را ناگهانی و در اوج بلوغ فکری اش از دست داده‌ای. هنوز میهورم و خاطرات پیش چشمم‌زده می‌روند. به یاد دارم که در هنگام تحصیل در مقطع لیسانس از ساختمان کرج دانشگاه خوارزمی خود می‌آشتابان به کلاس‌های دکتر فیرچی می‌رساندم و هیچگاه به خاطر مطالب نابی که در کلاس می‌گفت احساس خستگی نکردم. روش استاد برای تدریس منحصر به فرد بود.

خودش می‌گفت نوع درس‌دانش متاثر از دکتر بشیریه است. همیشه بیشتر از متون درسی و حتی کتاب‌های خودش درس می‌داد، همیشه در حال مطالعه بود و گاه نکته‌ای را در کلاس مطرح می‌نمود که همان روز در کتابی جدید خوانده

یاد — ۱۶
<div><div></div></div>
<div><div></div></div>

«…علم به خودی خود خواستنی است و شادی راستین جز آن فراهم نمی‌شود.»

ابوریحان بیرونی – تحدید النها یا الامکان لتصحیح مسافتن مساکن

۱- داود فیرحی امشب شاد است و دوست‌داران علم امشب غمگین‌اند. فیرحی عالم و معلم بود. فلاطون حقیقت‌علم را تذکر می‌داده است: «مویختن جز به یادآوردن نیست.» به یادآوردن زودگذری و بی‌بنیادی جهان، به یادآوردن مرگ، این پایان نزدیک هر انسان، به یادآوردن در خاک آرامیدن، آنان که تک‌و تک‌رفشان زمانی گوش‌فلک را کر می‌کرد، به یادآوردن رنج انسان‌هایی که رنج می‌کنند و می‌میرند بی آنکه کسی صدایشان را بشنود؛ و به قول داستایوفسکی همه ما در پنهان‌ترین زوایای روح خود رنجی نهفته داریم. اگر لااقل بخشی از علم فهم همین‌ها باشد، لاجرم دل فهم همین که پایان نزدیک است «شادی راستین» پدید خواهد آمد. فهم نزدیک پایان آغاز شادی است و خود پایان اوج شادی.

۲- گفته‌اند که دین نیز از جنس تذکر است و

Info@etamadnewsaper.ir

پنجشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۹

ربیع‌الاول ۱۴۴۲، ۱۲ نوامبر ۲۰۲۰

شماره ۴۷۸۸

یاد — ۱۲

انده یادی برای دکتر داود فیرچی

یگانه بود و هیچ کم نداشت

خبر بر کشیدن دکتر داود فیرحی که آمد و در شبکه‌ها پیچید، دل‌های بسیاری به اندوه‌نشست وزبان‌های فراوانی از سخن ایستاد. نزدیک ظُهر چهارشنبه بود که در تدارک سخن گفتن در یک نشست علمی بودم که شنیدن این خبر تلخ‌امان و امکان صحبت را از من گرفت. کرونا-اين روز‌ها در همه جا بیداده می‌کند و هر روز خانواده‌های بسیاری را به سوگ می‌نشاند، اما در آنجا که به سراغ سرمایه‌های کمیاب علمی واجتماعی می‌رود و اندیشه‌ورانی رادر مقیاس ملی و در افق امیدهای آینده به کام مر فرو می‌برد، بیدادش جانگازتر می‌شود؛ فیرحی از این شمار بود؛ زرف‌اندیش، سخت‌کوش، گوشه‌فکر، فروتن، خوش نفس، دین‌باور و مسوولیت‌شناس. رفتارش عین گفتارش و گفتارش برآمده از دل دردمند و خلاقش بود. سختش و تلاشش در همه جا از دانشگاه حوزه ت‌امیدان‌های سیاست و جامعه‌بذر امید می‌کاشت. به تمام معنا دوست و به لوازم دوستی همسواره ملتزم بود. بحق از جمله پارسیانی بود که خود بارها و بارها از زبان علی(ع)وصفشان کرده بود: نوشتن از او بیش از این برام آسان نیست. پس برای وصفش به شعر پنهان می‌برم؛ گویی آنچه شاملو سروده است در باره اوست:

انسان زاده شدن تجسّد و طیفه بود؛

توان دوست داشتن و دوست‌داشته شدن

توان شنفتن

توان دیدن و گفتن

توان آندهگین و شادمان شدن
توان خندیدن به وسعّت دل، توان گریستن از سویدای جان

توان گردن به غرور برافراشتن در ارتفاع شگوهناک فروتنی
توان جلیل به دوش بردن بارامانت
و توان غمناک تحمّل تنهایی
تنهایی عزبان.
دشواری وظیفه‌است
فرصت کوتاه بود و سفر جانکاه
اما یگانه بود و هیچ کم نداشت

است در باره اوست:

انسان زاده شدن تجسّد و طیفه بود؛

توان دوست داشتن و دوست‌داشته شدن

توان شنفتن

توان دیدن و گفتن

توان آندهگین و شادمان شدن

توان خندیدن به وسعّت دل، توان گریستن از سویدای جان
توان گردن به غرور برافراشتن در ارتفاع شگوهناک
فروتنی

توان جلیل به دوش بردن بارامانت

و توان غمناک تحمّل تنهایی

تنهایی

تنهایی

تنهایی عزبان.

دشواری وظیفه‌است
فرصت کوتاه بود و سفر جانکاه
اما یگانه بود و هیچ کم نداشت

یاد — ۱۳

فیرحی و نقد درون‌ماندگار

بازرد لحظه‌ای دیگر از بله‌نگامی‌ها و نامرادی‌های‌مان، این بار دکتر فیرحی بود که از دشواری‌های یک راه‌ناهموار بیاسود و نفسی راحت در امتداد ابدیتی بی‌انتها کشید؛ اما کاهوی مشعل بازاندیشی‌های متمالانه و نقدانه را بر زمین بگبارد یا به دست تاریکی جهالت‌ها و توفان تعصب، جز ماندیش‌ها و افراط‌گرایی‌ها تسلیم‌کند. نوشته‌ها و آثار منتشر نشده او گواهی خواهد داد تا آخرین روز‌ها چگونه همچنان در رنج آگاهی و تاملاتی غوطه‌ور بود که برای حل معماهای فکری و افق‌گشایی‌های اندیشه سیاسی، این جهان پرتلائی‌ما ش‌دبایه این نیاز دارد.

معمولا هر متفکری به‌تمایزهایی شناخته‌می‌شودو یکی از تمایزهای فیرحی «نقد درون‌ماندگار» بود. ناقدان فکر سنتی سیاسی در عالم اسلامی، خصواد نقد و تحلیل اشکال اپولوژی‌بُز که بر ساخته‌شده‌از آن (مثل رادیکالیسم دینی، بنیادگرایی مذهبی و…) بسیار بودند و هستند و همه بازرشدولی تنهایی‌بخشی از آنها بدون اینکه‌القیم معرفت دینی و میراث فکری را ترک‌کنند و از بیرون به‌او بیفزاند، در خودقیلم‌محکوم‌استولامی‌ایستندو برنامه‌فکرانقصدی و تاملات زرف و پلاراندیشی‌های خود را در زمین فکر دینی پیش می‌برند.

ناقدی‌که در زیست‌بوم فقه اسلامی و میراث فکر اسلامی اقامت می‌کند، باور نقد و تحلیل می‌کند، او در حقیقت در فلات یک مساله می‌ایستد، با سرشت و طبیعت‌امور در تماس است و در همان حال با هزار نوی مساله‌ها هم در می‌افتد. این نقدا، نقدی آن سورونده و بر گذرنده نیست بلکه نقد تحلیلی اندر باشنده و درگیر شونده است. این همان «نقد درون‌ماندگار» است. او مساله‌ها را از نزدیک زمین می‌کند، رنج فهمیدن بر خود همور می‌سازد و قلم‌روزی‌ها و قلم‌رو گشایی می‌کند. اموری به او فشار می‌دهند و او با آنها کنار می‌رود. کار او نمی از کلاف سسر در کمی برگرفتن و با گر‌ه‌های کوری بی‌شماری پیچ و تاب خوردن است.

ارزش پروژه فکری و تحقیقاتی فیرحی این بود؛ ریغ از این نیمه راه، دریغ از این ضایعه دریغ و درد؛ جز اینکه درهاها بمشند و اعلام‌نوشته‌هایی برای ادامه راه محققان و متفکران و نسل‌های جدید و جلاک علمی در این سرزمین باشند…

یاد — ۱۴

اوج شکوفایی و خلاقیت

خبری بسیار تاسف‌بار و باور نکردنی! استاد فیرحی در اوج شکوفایی و خلاقیت و بارآوری فکری خود بود. بسیار متأنفم از شنیدن این خبر تلخ‌اومردی داشتم، فهمم، مهربان و بس مودب بود. درگذشت این استاد ارجمند را به خانواده، همکاران و دانشجویان و دوستان‌ان ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم‌انام و یادشان ماندگار و آثارشان بیش از پیش اثرگذار باد.

فقهی جسور، عالمی متواضع

ایشان در این تکاپوی فکری بتوانند منشأ تحولات بزرگی در حوزه نوآندیشی دینی شوند اما متأسفانه این بیماری مرگبار و این ویروس‌سی که کل جهان را دربر گرفته، ایشان را هم از ما گرفت. درگذشت دکتر فیرحی یادآور یکی از آیات قرآنی بود. این آیه شریفه تعبیری دارد از این قرار که درختی برثمر کرد در هر لحظه ثمرات خودش را اعطای کند. ایشان نیز مصداق درختی برثمر بود. ایشان به‌واقع عالمی بودند از نظر اخلاقی و علمی بسیار برجسته و در عین حال بسیار تواضع‌داشتندو این بعد اخلاقی ایشان به‌نوعی موجب اثرگذاری بیشتر کلامش در مخاطب می‌شد. روحانیونی چون فیرحی که در حوزه فقه سیاسی فعالیت داشته‌ا اما رفته رفته شاهد کم‌رنگ شدن تعداد و حضورشان هستیم، قدم‌زدن در این عرصه نیازمند زحمت و تحمل و رنج فراوان برای تحقیق و پژوهش است تا اینکه فرد بتواند حرفی نوو تازه‌برزند.آن هم برای مخاطبی‌که هر حرفی را نمی‌پذیرد. امروز در شرایطی قرار داریم که نسل جدید از یک‌سری اندیشه‌ها رویگردان است و هر سخنی را به راحتی نمی‌پذیرد. در این شرایط بسیار دشوار است که بتوان با نسل نودر این حوزه ارتباط برقرار کرد. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل مهم افول اندیشه‌ورزی در این حوزه هم همین موضوع باشد.

نکته دیگری اینکه حرف زدن و قلم زدن در این حوزه مصون از خطرات نیست. با توجه به شرایط سیاسی و نگاه اسلامی بود و با همین نگاه هم تاریخ سیاسی اسلام را بازاندیشی کرده بود. هر بار که سخنی و صحبتی بود و مقاله‌ای را عرضه می‌کردند؛ انسان منتظر فکر جدید و اندیشه جدید و یک نوع پوشش جدید در نگاه او بود. مر محروم فیرحی در اواسط دهه پنجم عمر خودش بود و این سن هم در جامعه علمی ما سن آغاز ثمردی چه در دانشگاه و چه در حوزه محسوب می‌شود ولی با این حال ایشان در عمر پربار خود، ده‌ها مقاله و کتاب از خود به جای گذاشت.

ویژگی‌ای که من در ایشان سراغ دارم، نکته‌ای است که از منظرلی خاص می‌تواند با مر محروم شهید مطهری قابل مقایسه باشد و آن اینکه در آثار ایشان فقط با اطلاعات یا تحلیل صرف روبرو و نیستید بلکه با یک متداولوزی اندیشه سراسر کار دارید. به عبارت دیگر ایشان روش شناسی ویژه و مبتکرانه‌ای در تفکر سیاسی عرضه می‌کرد. کسی هم که با آثار قلمی و بیانی ایشان مواجه می‌شد در واقع می‌توانست به عبارتی بایک دستگانه‌فکری از او وام‌بگیرد. به تعبیر یکی اندیشمندان آذنی غلامرضا کاشی، مر محروم فیرحی یک راه و مسیر فکری بود. بسیاری امیدوار بودند که به جای گذاشت.

ویژگی‌ای که من در ایشان سراغ دارم، نکته‌ای است که از منظرلی خاص می‌تواند با مر محروم شهید مطهری قابل مقایسه باشد و آن اینکه در آثار ایشان فقط با اطلاعات یا تحلیل صرف روبرو و نیستید بلکه با یک متداولوزی اندیشه سراسر کار دارید. به عبارت دیگر ایشان روش شناسی ویژه و مبتکرانه‌ای در تفکر سیاسی عرضه می‌کرد. کسی هم که با آثار قلمی و بیانی ایشان مواجه می‌شد در واقع می‌توانست به عبارتی بایک دستگانه‌فکری از او وام‌بگیرد. به تعبیر یکی اندیشمندان آذنی غلامرضا کاشی، مر محروم فیرحی یک راه و مسیر فکری بود. بسیاری امیدوار بودند که به جای گذاشت.

مرگ بزرگی و آکادمی در حال مرگ

انکار نکرد، اما مطالعات تاریخی و توان اجتهادی‌اش را در خدمت تقویت قرآنتی دیگر از دین قرار داد.
۴- فیرحی «دموکراسی خواه» بود و نهادین شدن دموکراسی را از دل تحولی در نظام‌های فکر سنتی جست‌وجو می‌کرد.
همین دغدغه باعث شد در سال‌های واپسین عمر خود در برابر شکل جدیدی از ارجاع به «سنت قدماهی»- نظریه ایران‌شهری- که استنادش به جواد طباطبایی، به نحو تناقض آمیزی با وجود همه نقدها به «صلب سنت قدماهی»، به آن فیرحی می‌خواند، واکنش نشان دهد و خطر بازگشت به سلطنت‌طلبی علری از دموکراسی را تذکر دهد و البته عتاب‌های عمدتا شخصی استاد را به جان بخرد. نقد فیرحی بر دموکراتیک نبودن فراخوان استاد به «پران‌شهر»؛ سنده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین نقد بر ایران‌شهر جواد طباطبایی است. حتی «حکومت قانون» به سادگی می‌تواند در خدمت «سلطنت» قرار گیرد و مطلقا در مسیر دموکراسی نیابند. به خصوص در کشوری با سابقه چند هزار سال استبداد درنده‌شاهان خونریز واقعی و نه «شاهی-آرمانی» خیالی.

۵- فیرحی در زمره آخرین آکادمیسین‌های پژوهشگر، صاحب‌نظر و نظریه و وفادار به

در گذشت استاد فیرحی برای جامعه علمی و فکری ما ضایعه بسیار بزرگ و به واقع جبران‌ناپذیر است. شخصا سال‌هاست که آقای دکتر فیرحی را می‌شناختم و چند سالی هم هست که از نزدیک با ایشان آشنایی داشتم. آثار و سخنان ایشان را دنبال می‌کردم و از تراوشات فکری ایشان بهره می‌بردم.

ایشان نمونه بارز و مثال‌زدنی از نسل نو و نوآندیش در علوم انسانی و به‌طور خاص در حوزه علوم سیاسی بود. دکتر فیرحی هم از دانش حوزوی برخوردار بود و هم در دانشگاه استادان برجسته‌ای را دیده بود و مطالعات گسترده و در واقع در‌اندیشه‌های در این حوزه داشت. ایشان در عین حال که رویکرد نوآندیشی داشت اما نوعی وفاداری به سنت نیز در آثار و شخصیت او به چشم می‌خورد و به اصطلاح به سنت پشت پا نزده بود. مر حوم فیرحی با وفاداری به‌اندیشه عمیقی که داشت همچنین تعهد اخلاقی و اظهار نظر نمی‌کرد و صراحتا می‌گفت که در این زمینه تخصصی ندارم.

دیگرو ویژگی او احیاگری بود. سعی می‌کرد زدل مواد مرده تاریخی مثل علوم سیاسی و فقه، یک زندگی را استخراج کند. هر کس با متون و کلام او مواجه می‌شد، حس می‌کرد که این‌ها همه هستند یا سواد آن‌سان حرف می‌زند. دیگرو ویژگی او هوشمندی وزیرکی بود و هیچ نکته‌ای را از دیگران فروگذار نمی‌کرد. این گزینشگری و هوشمندی وزیرکی باعث می‌شد که به آنچه دیگران می‌گویند، بیندیشد. او صیاد نکته‌های درخشان دیگران بود. در کنار همه این ویژگی‌ها، به شدت مساله عدالت‌برایش اهمیت داشت و به بحث‌محرومین توجه می‌کرد. نگاه او سوسیالیستی نبود، اما مساله عدالت معطوف به برابری برایش اهمیت داشت. به همین دلیل در مسائل سیاسی و تاریخ اسلام، مساله عدالت معطوف به برابری برایش اهمیت داشت.

در پایان اینکه فقه از جنبه خاصی برای مر محروم فیرحی اهمیت ویژه داشت. او معتقد بود که نباید قدر فقه را کم کرد. در ریشه یک دستگانه حقوقی است که نظم‌مندی را در جامعه ایجاد می‌کند. راه‌ست، از این رو بای‌بده این کار کرد فقه در ایجاد نظم‌مندی توجه کرد. از این حیث کار او با دیگر ارزوشن‌فکران دینی مثل دکتر سروش متفاوت بود. او معتقد بود بای‌بده نظر فریت‌هایی که در تاریخ وسنت اسلامی هست، به خوبی استفاده کرد. در عین حال واقعا در عرصه تدین بی‌ویاوبی آلیش نمونه‌ها و الگو بود. او انسان متدین دردمند روشنفکر پرسشگر روه‌با کنون و آینده بود.

یژهوششگر تاریخ اسلام

فکری که محصور نشد

مناخ اهل سنت و شیعه چه بوده است. یکبار در هنگام نوشتن دو تاریخ متخلف به مانند یک معلم ریاضی دبستان شروع به توضیح جمع و تفریق کرد و با خنده خودش از این کار کلاس هم لرزید. دکتر فیرحی استادی به روز بود و زودتر از همه اساتید قدرت فضای مجازی را فهمید. دریغ که هیچگاه فکر نمی‌کردم لایو اینستاگرامی‌ام با او جزو آخرین برنامه‌های زنده‌اش باشد. با تمام شاگردانش مهربان بود و خاطرمد هست وقتی دو جلسه غیبت کردم جویای‌حالم شدند و تعریف‌شان از من در کلاس باعث سرخ شوم. او با همه دانشجویانش چنین برخورد می‌کرد. خاطرمد هست که به جمعی از ما شاگردانش می‌گفت پخته‌تر از دیگران هستیم ولی باید حسابی درس بخوانید و آبروی رشته علوم سیاسی را حفظ کنید و سه وقتش در برابر اشتباهات و بی‌سواد‌های ما بی‌رحم و سنگخیز بود تا کاری اصلاح نمی‌شود آن را نمی‌پذیرفت. یکبار که در خودروی او برای رونمایی از آثارش به مر مرکز مطالعات خاورمیانه می‌رفتم برسدیم چرا در برابر نقد آثارش ساکت است و استاد پاسخ داد که اگر متن، متن خوبی باشد خودش می‌تواند

اکنون جامعه توجه دارد. دکتر فیرحی نمونه بارز یک انسان آکادمیک بود و کاملا به‌قواعد اوقول رفتار دانشگاهی ملتزم بود. بسیار منظم و در عرصه تدریس سنگخیز و سخت‌کوش بود و دانشجویان را روشنمند و ملتزم به اصول دانشگاهی تربیت می‌کرد. در عین حال یک کشنگر مزی بود. یعنی در آکامی نامندو از این رو توانست تأثیری فرا‌تر از مرزهای دانشگاهی بگذارد. فیرحی خود را منحصر به دانشگاه نمی‌کرد. او یک فقیه بود و با حوزه آشنایی عمیقی داشت. او یک قرآن پژوه بود و کارهای تطبیقی می‌کرد. در کنار این مساله را صرفا در روایت‌و مفردات‌منحصر نمی‌دانست و بحث‌اندیشه‌برایش مهم بود. در اندیشه نیز توجه جدی به بحث قدرت داشت و رابطه دانش و قدرت را مد نظر داشت. او یک استاد مبرز اندیشه سیاسی بود. در عین حال می‌کوشید از درون این مفردات یک نظر بیات و فربضاتی استخراج کند.

فیرحی دیگران را به خوبی و متواضعانه می‌خواند، اما در آنها نمی‌ماند. از این رو مثل کس دیگری زندگی‌به‌شویه و سیاق خودش می‌اندیشید و کار می‌کرد. هر کس با او مواجه می‌شد، عمق تواضع و فروتنی او را در می‌یافت. در عین حال اگر در موضوعی تخصص نداشت، بی‌دلیل اظهار نظر نمی‌کرد و صراحتا می‌گفت که در این زمینه تخصصی ندارم.

دیگرو ویژگی او احیاگری بود. سعی می‌کرد زدل مواد مرده تاریخی مثل علوم سیاسی و فقه، یک زندگی را استخراج کند. هر کس با متون و کلام او مواجه می‌شد، حس می‌کرد که این‌ها همه هستند یا سواد آن‌سان حرف می‌زند. دیگرو ویژگی او هوشمندی وزیرکی بود و هیچ نکته‌ای را از دیگران فروگذار نمی‌کرد. این گزینشگری و هوشمندی وزیرکی باعث می‌شد که به آنچه دیگران می‌گویند، بیندیشد. او صیاد نکته‌های درخشان دیگران بود. در کنار همه این ویژگی‌ها، به شدت مساله عدالت‌برایش اهمیت داشت و به بحث‌محرومین توجه می‌کرد. نگاه او سوسیالیستی نبود، اما مساله عدالت معطوف به برابری برایش اهمیت داشت. به همین دلیل در مسائل سیاسی و تاریخ اسلام، مساله عدالت معطوف به برابری برایش اهمیت داشت.

در پایان اینکه فقه از جنبه خاصی برای مر محروم فیرحی اهمیت ویژه داشت. او معتقد بود که نباید قدر فقه را کم کرد. در ریشه یک دستگانه حقوقی است که نظم‌مندی را در جامعه ایجاد می‌کند. راه‌ست، از این رو بای‌بده این کار کرد فقه در ایجاد نظم‌مندی توجه کرد. از این حیث کار او با دیگر ارزوشن‌فکران دینی مثل دکتر سروش متفاوت بود. او معتقد بود بای‌بده نظر فریت‌هایی که در تاریخ وسنت اسلامی هست، به خوبی استفاده کرد. در عین حال واقعا در عرصه تدین بی‌ویاوبی آلیش نمونه‌ها و الگو بود. او انسان متدین دردمند روشنفکر پرسشگر روه‌با کنون و آینده بود.

یژهوششگر تاریخ اسلام



حسن‌معدنی گیلوایی

ارجمند را به خانواده، همکاران و دانشجویان و دوستان‌ان ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم‌انام و یادشان ماندگار و آثارشان بیش از پیش اثرگذار باد.

فرقی دارد؟



سروش صحت

زنی که جلوی تاکسی نشسته بود، گفت: «حالا بایندن ریس جمهور امریکا شد، برای ما بهتره یا بدتر؟» مردی که عقب تاکسی نشسته بود، گفت: «معلومه که بایندن از ترامپ بهتره.» مرد دیگری که عقب تاکسی نشسته بود، گفت: «هیچ فرقی نمی‌کنه جفتشون

عین هم هستند.» مرد اولی گفت: «شک نداشته باشید که بایندن بهتر از ترامپه.» مرد دوم گفت: «شک نداشته باشید که هیچ فرقی ندارند.» زن گفت: «بالاخره به چی شک نداشته باشم؟» راننده گفت: «هر دودرست می‌گن، هم بایندن بهتر از ترامپه، هم هیچ فرقی با هم ندارند.» زن پرسید: «هنگه میشه؟» راننده گفت: «بله، همیشه اینجوریه... مثلاً اینکه ما زنده‌ایم بهتر از اینه که مرده باشیم ولی خیلی هم فرقی نداره که زنده باشیم یا مرده.»

امروز در تاریخ

۲۲ آبان، ۱۲ نوامبر

مترقی میرحسینی

هرش و مای لای



می‌گویند روزنامه‌نگاری تحقیقی، مهم و حتی ضروری است زیرا گوشه‌های از واقعیت‌های پست پرده و معمولاً تلخ و کثیف را آشکار می‌کند و چیزهایی را که مردم باید بدانند اما صاحبان قدرت و امتیاز از آنان پنهان می‌کنند، افشا می‌کند. ماجرای کشتار مای لای در جریان جنگ ویتنام، که سیمور هرش سال ۱۹۶۹ در چنین روزی درباره‌اش نوشت یکی از بهترین مثال‌ها در این باره است. او خبر میهم و بسیار کلی برگزاری دادگاهی نظامی مرتبط با نیروهای اعزامی به ویتنام را گرفت و رد آن را تا یکی از مقرهای اصلی فرماندهی ارتش امریکا در ایالت جورجیا دنبال کرد. در آنجا متهم اصلی، ستوان ویلیام کالی را - که می‌گفتند به تنهایی بیشتر از ۱۰۰ غیرنظامی را کشته است - پیدا کرد و با او درباره جرمی که مرتکب شده بود به گفت‌وگو نشست. سپس در جست‌وجوی شاهدان دیگر ماجرا، گوشه و کنار ایالات متحده را زیر پا گذاشت و با حدود ۵۰ نفر از کسانی که آن روز خونین را به یاد داشتند، مصاحبه کرد. خود هرش می‌نویسد: «پس از آنکه تحقیقاتم را درباره مای لای کامل کردم، سعی کردم آن را منتشر کنم. مجله لایف و مجله لوک هیچ‌یک علاقه‌ای نشان ندادند. با کمی دودلی، روایت خود را ماجرا را در اختیار دیسپچ نیوز سرویس گذاشتم که آژانس خبری کوچکی در واشنگتن به مدیریت دیوید اوبست است. اوبست جوانی ۲۳ ساله بود ولی شور و اشتیاقش به خوبی جبران کم تجربگی‌اش را می‌کرد. در تاریخ دوازدهم نوامبر، روایت اولیه دیسپچ نیوز به ۵۰ روزنامه ارایه شده بیشتر از ۳۰ روزنامه - از جمله بسیاری از روزنامه‌های اصلی کشور - یعنی تعداد بسیار قابل توجهی، آن را صبح روز بعد به چاپ رساندند.» البته خود فرماندهی ارتش



امریکا تصمیم داشت ستوان کالی را تنبیه کند و این کار را هم کرده‌اند اما نه برای جنایتی که او آن روز در آن روستا مرتکب شده بود، که به جرم تخطی از فرمان و نادیده گرفتن اصول پیشروی و پاک‌سازی در جنگ. تصمیم ارتش این بود که ماجرا تا حد ممکن به بیرون درز نکند و بر سر آن جنجال به پا نشود و اگر هم چنین شد همچون خطایی شخصی (نه جنایتی سازمانی) تعبیر و تفسیر شود. از این حیث اهمیت کار هرش نه افشای یک جنایت فردی یا قساوت یک گروهان، یا حتی گزارش یک ماجرای خونین بی‌سابقه که پاسخ به این پرسش بود که نظامیان امریکایی در ویتنام چه می‌کنند؟ او هیچ چیز «استثنایی و نابهنجاری» در کشتار مای لای - که در آن حدود ۷۰۰ نفر از اهالی یک روستای کوچک قتل عام شدند - نمی‌دید و واقعا هم آن ماجرا در جریان جنگ طولانی ویتنام یک ماجرای یگانه نبود. به قول جان پیلجر در کتاب به من دروغ نگو: «برای مردانی که به سوی توحش سوق داده شده بودند این وظیفه‌های عادی بود که به نیابت از سوی مافوق‌های جنایتکارشان، کشوری در دوردست را تباه کنند.» گزارش هرش و افشای جنایت مای لای راه را برای پرداختن بیشتر به آنچه در ویتنام می‌گذشت باز کرد و بسیاری از رسانه‌هایی را هم که تا آن زمان بخشی از دستگاه تبلیغات جنگی امریکا بودند به انتشار گزارش‌هایی واقعی‌تر از جنگ وادار کرد.

تیتیر مصور | کلید واکنس

اوبلور پلاکس

جایزه استاد راهنمای برگزیده به ضیاء موحد

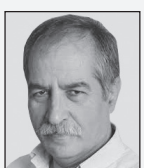
در مراسم پایانی هجدهمین دوره «جشنواره ملی پایان‌نامه‌های سال‌های دانشجویی خدمات علمی ضیاء موحد قدرانی می‌شود. در این مراسم که از سوی سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی برگزار می‌شود، از این استاد فلسفه، منطق و ادبیات به عنوان استاد راهنمای برگزیده تقدیر خواهد شد. جایزه استاد راهنمای برگزیده در هر دوره از جشنواره ملی پایان‌نامه‌های سال دانشجویی به استادانی تعلق می‌گیرد که در زمینه راهنمایی مشاوره و صورت‌زنده بخش می‌شود.



در حوالی ادبیات

اسدالله امرایی

در قفل در کلیدی چرخید



«تمام خواب‌هایم تکرار یک خواب واحدند، با تک‌تک جزئیاتش، رویایی که دوباره و دوباره به سراغم می‌آید. در این کابوس همیشه یک شکل، من پای پله‌ها، در دالان ورودی، رو به چار چوب فولادی و شیشه شکن در بیرونی ایستاده‌ام و تقلا می‌کنم قفل در را باز کنم. آمبولانسی بیرون توی خیابان ایستاده. هیکل‌های امدادگرها را مات و در خشنده از آن طرف شیشه می‌بینم که کج و معوج به نظر می‌رسند و صورت‌های آماسیده‌شان مثل قمرهای نورانی است. کلیدی می‌چرخد ولی تلاشم بی‌فایده است. نمی‌توانم در را باز کنم.» رمان در نوشته ماگدا سالیو نویسنده مجار با ترجمه نصرالله مرادی در انتشارات تبديل منتشر شده است. موضوع رمان ماگدا سالیو داستان نویسنده‌ای است که خود راوی داستان نیز هست و همراه با شوهر نویسنده‌اش در یک روستا در مجارستان زندگی می‌کنند. او در واقع نویسنده‌ای ممنوع‌الفعالیت است که در دست قبل از نوشتن اثر جدیدش حکمش لغو می‌شود و برای اینکه بتواند با خیال راحت کتابش را بنویسد نیاز به یک خدمتکار پیدای کند که در کارهای خانه کمک‌حال او باشد. یکی از دوستان راوی، پیرزنی را به عنوان خدمتکار معرفی می‌کند و به این شکل امرنس وارد داستان می‌شود. امرنس شخصیت متفوتی دارد. علی‌رغم کم‌پسالی کارهای یدی بسیاری انجام می‌دهد و به همه کمک می‌کند. امرنس برای مردم روستا آشپزی می‌کند، به بچه‌های آنها رسیدگی می‌کند و در زمستان برف خیابان‌ها را جارو می‌کند. او از احوال همه مردم روستا اطلاع دارد و برای رسیدگی به شکایات اهالی از یکدیگر روی ایوان منزلش جلسه دادگاه برگزار می‌کند. هیچ‌کس با در بسته منزل او مواجه نمی‌شود و او به سرعت درمی‌یابد که او نیست که باید با امرنس مصاحبه‌کاری بر گزار کند بلکه این امرنس است که تصمیم می‌گیرد یا حاضر است کاری برای او انجام دهد یا همه آنها گذشته امرنس کار خست‌ویدی انجام نمی‌دهد. اتفاقات رمان ماگدا یک روستا رخ می‌دهد و به غیر از خود راوی، همسرش، سگ آنها و امرنس که چهار شخصیت اصلی رمان هستند، مابقی شخصیت‌ها - به سبک حکایت‌های تمثیلی - تیپ‌های مختلفی از روستاییان مانند پلیس مهربان، برادرزاده خوش‌قلب و خیاط زنده‌دوز عمگین هستند. انتشارات بیدگل دو اثر دیگر از این نویسنده را با عنوان خیابان کاتالین و ترانه‌ایز منتشر کرده است.

وقتی تاریخ شود



«به جایی خوندم که نویسنده‌ای گفته، داستان مته‌یه خون‌هایه که نویسنده خودشو توش زندانی می‌کنه و از پنجره‌هاش، هر چه می‌بینه می‌نویسه.» «برای چی خودش زندانی می‌کنه؟» «برای اینکه اونو نبینن و مزاحم از کارش نشن.» «چرا مزاحم کارش بشن؟» «اسرارشون فاش می‌کنه.» «با خلوت کردن خودش تو خونه؟» «آره، به نظر من خونه نیست، یه جنگله که نویسنده توش می‌ره، یه جنگل پر از درخت و پر از چهچه پرندها و پر از گل‌ها و شکوفه‌ها، پر از خار و خشک‌ها و پر از پشه و مار و کزندها. آواز پرندها و عطر گل‌ها مستش می‌کنه و خار و خشک و گزندها تنشو آس و لاش می‌کنن.» «خب؟» «هر کاری دلش می‌خواد می‌کنه و هر جا دلش می‌خواد می‌ره، تو جنگل خودش.» «جنگل خودش؟» «آره، خودش با خودش، صداها حواسشو پرت نمی‌کنه.» «چه صداهایی؟» «صداهایی رو که از بیرون جنگل می‌آد و اسم اونو صدامی‌زنن.» «اسم اونو صدامی‌زنن؟» «آره، هر چه از زخم‌هاش خون بیشتر می‌ره، صداها بلندتر می‌شن.» «از جنگل هیچ بیرون نمی‌آد؟» «چرا وقتی که اسمشو همه صدامی‌کنن.» «بعدش چیکار می‌کنه؟» «منتظر می‌مونه.» «منتظر اون، اون آخری، وقتی تاریخ بشه.»

یادها و یادگاریها

نوشته‌هایش پژوهش بود و دارای سخنی تازه



در این روزهای پرمصیبت گویی نشنیدن خبری تلخ استثناست. درگذشت دکتر داود فیرحی، استاد دانشگاه تهران، ناپهنگام و بهت‌آور بود. هر چند گویی دیگر باید به چنین خبرهایی عادت کنیم؛ عادت‌ی که سخت است و خبر از وضعیتی ترازیک می‌دهد. فیرحی که ناباورانه باید مرحوم و زنده‌یادش بخوانیم، از معدود حوزویانی بود که در دانشگاه بالید. به اعتبار کسوت حوزوی‌اش به دانشگاه راه نیافت، بلکه تحصیلات آکادمیک را از نقطه اول آغازید. از همین رو به شیوه سنتی و حوزوی نوشت، نوشته‌هایش پژوهش بود و دارای سخنی تازه. فیرحی مسیر علمی و پژوهشی‌اش را آهسته‌آهسته پیوسته پیچید. در تبیین اندیشه سیاسی قهیجان و فقه سیاسی کوشید. همین پیوستگی و توالی او را به یختگی رساند. از اعوجاج برخی همسلکانش که به استادی دانشگاه رسیده بودند، به دور بود. برای خودش پروژه‌های فکری تعریف کرده و بر همان مدار سال‌ها پژوهش و نگارش کرد. این پروژه فکری هر چند وجهی سیاسی داشت، اما باز صبغه علمی به دور نبود. با آنکه آثارش تاثیر و باز خوردی مهم در فضای حوزوی و دانشگاهی و به تبع آن، فضای سیاسی داشتند، اما او نه در بی نزاع سنت و تجد و نه در پی بازی‌های سیاسی بود. از همین رو برخلاف برخی افراد بر طبل نفی و انکار نگوید. در واقع فیرحی در جست‌وجوی

عکس نوشت



خبرگزاری تسنیم با انتشار مجموعه عکسی از «امید رجبی‌پور» گزارش داد: «گیاه‌مهاجم سنبیل آبی به دلیل رشد سریع در محیط‌های آبی (رشد دوبرابری در عرض دو هفته) و مصرف مقادیر زیادی از اکسیژن آب، یکی از خطرناک‌ترین گونه‌های گیاهان آبی است که در جهان شناخته شده و در مدت کوتاهی قادر است تا اکوسیستم منطقه را نابود کند. این گیاه با برگ‌های گسترده، ضخیم، براق و تخم‌مرغی شکل ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متری که به اندازه یک متر در ارتفاع بالاتر از سطح آب رشد می‌کند، دارای ریشه‌های ارغوانی سیاه‌آزاد و ساقه راست است که ۱۵ تا ۱۸ گل جذاب و بی‌بازری خود دارد.» تصویری که می‌بینید از این مجموعه انتخاب شده است.

موسسه خیریه کهریزک آسایشگاه معلولین و سالمندان کهریزک استان تهران



مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین و سالمندان - غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی

موج سوم شیوع کرونا، تهدیدی جدی برای بیماران نیازمند است

هموطنان گرامی؛ در دور سوم شیوع ویروس کرونا، آسایشگاه خیریه کهریزک نیاز مبرم به همراهی شما خیرین و نیکوکاران جامعه دارد. با تهیه اقلام مشروحه ذیل به هر میزان یاریمان کنید تا جان ۱۷۵۰ مددجوی سالمند، معلول و بیمار ام اس حفظ گردیده، به سلامت از این بحران عبور نماییم.

- ۱- اقلام بهداشتی: انواع ماسک و گان یک‌بار مصرف، انواع محلول ضد عفونی و شوینده‌ها، دستکش لاتکس و فریزری، دستمال کاغذی، انواع پارچه و ملحفه، دستگاه‌های اکسیژن ساز و پالس اکسی متر و تب‌سنج
- ۲- اقلام غذایی: مواد پروتئینی شامل گوشت قرمز، مرغ، ماهی و انواع کنسرو، تخم‌مرغ، انواع حبوبات، لبنیات، برنج و روغن، میوه و سبزیجات
- ۳- پرداخت کمک‌های نقدی: آسایشگاه خیریه کهریزک آماده دریافت کمک‌های نقدی هم‌میهنان است.

شماره های تماس: ۲-۵۶۵۲۳۱۳۱ و ۴۲۱۱۴

روابط عمومی آسایشگاه خیریه کهریزک